

نجوم

فهرست مطالب

عنوان.....	صفحه.....
فصل اول: میراث آفرینش.....	۵.....
فصل دوم: موقعیت سیارات نسبت به یکدیگر، مقارنه (داخلی و خارجی)، تسدیس، تربیع، تثلیث، مقابله، خسوف، کسوف، اوج و حضیض، ذنب و راس، رجعت، احتراق، روش محاسبه فاصله دو کوکب، بیت الکوکب، شرف، هبوط یا سقوط، وبال، جدول.....	۱۱.....
فصل سوم: فطرت شناسی و نمادهای آن.....	۲۶.....
فصل چهارم: تقویم خورشیدی.....	۳۹.....
فصل پنجم: تصاویر آسمانی - رصدهای هر برج.....	۵۱.....
فصل ششم: تقویم قمری.....	۷۶.....
فصل هفتم: گاهشمار ترکی.....	۸۱.....
فصل هشتم: مغناطیس زمین و میدانهای جاذبه.....	۸۴.....
فصل نهم: کاربردهای علم نجوم.....	۸۸.....
فصل دهم: کف شناسی - کیمیاگری.....	۹۱.....

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

والسما ذات البروج (سوره بروج - آیه ۱)

قسم به آسمان دارای کاخهای بلند.

اذ قال يوسف لایه بابت اتی رایت احد عشر کوکبا والشمس والقمر رایتهم لی ساجدین (سوره یوسف - آیه ۴)
اکنون متذکر شو خواب یوسف را که گفت ای پدر در عالم رویا دیدم که یازده ستاره و خورشید و ماه مرا سجده می کردند.

الشمس والقمر بحسبان و النجم و الشجر یسجدان و السماء رفعها و وضع المیزان (سوره رحمن - آیه ۴)
خورشید و ماه به حساب معین در گردشند و ستاره و درخت هم به سجده او سر بر خاک نهاده اند. آسمان را کاخی بلند گردانید و میزان عدل و نظم را در عالم وضع فرمود.

والشمس تجری لمستقر لها ذلك تقدیر العزیز العظیم - والقمر قدرناه منازل حتی عاد کالعرجون القديم . لا الشمس ینبغی لها ان تدرک القمر و لا الیل سابق النهار و کل فی فلك یسبحون (سوره یس - آیات ۳۸ - ۳۹ - ۴۰)
و خورشید که بر مدار معین خود دایم و بی هیچ اختلاف به گردش است برهان دیگری بر قدرت خداوند با عزت و دانا است. و نیز گردش ماه را در منازل معین مقدر کردیم تا مانند شاخه خرما خمیده، به منزل اول خود باز گردد. نه خورشید را شاید که به ماه فرا رسد و نه شب به روز سبقت گیرد و هر یک بر مدار معینی شناورند.

هو الذی جعل الشمس ضیاء والقمر نورا و قدره منازل لتعلموا عدد السنین و الحساب ما خلق الله ذلك الا بالحق یفضل
الایات لقوم یعلمون (سوره یونس - آیه ۵)

اوست خدایی که خورشید را بخشان و ماه را تابان کرد و برای ماه منزلها معین فرمود تا شما عدد سالها و حساب زمان را بیاموزید .

ان فی اختلاف الیل و النهار و ما خلق الله فی السموات و الارض لایات لقوم یتقون (سوره یونس - آیه ۶)

به حقیقت در رفت و آمد شب و روز، بلکه در هر چیز که خداوند در آسمانها و زمین خلق کرده برای اهل تقوی علامت و نشانه های قدرت حق پدیدار است.

مقدمه

شیفتگان پرواز را میل خزیدن نیست.

عده‌ای از مردم و دانشمندان، نجوم سنتی را خرافات، کهنه پرستی و افکار غیرمنطقی تلقی کرده و دانستن چنین علومی را صرفاً وقت تلف کردن می‌دانند. ولی در بسیاری از کشورهای پیشرفته آکادمی‌ها و آموزشگاه‌هایی فعالیت می‌کنند که همه تحصیلکردگان رشته‌های مختلف که سالها وقت خود را صرف به دست آوردن تخصص و مدارج عالی علمی کرده‌اند خود را به شدت نیازمند این علم اسرارآمیز دانسته و با اعتقاد به فلسفه جهانی شدن و برداشته شدن مرزهای جداکننده بین اقوام و ملیتهای مختلف، خود را متعلق به خانواده بزرگتر آسمانی می‌دانند.

به طور مثال همه متولدین یک ماه یا برج خاص، فرزندان کوکب مری آن برج محسوب می‌شوند و یا هر برج خاص را درجه‌ای می‌دانند که اشخاصی که از آن در، پا به جهان بگذارند بطور غیر قابل انکاری خصوصیات و صفات مشترک دارند؛ چه از نظر ظاهر فیزیکی و جسمانی و چه از نظر خوی و خصلت. البته ناگفته نیز نماند که نیروهای منفی‌ای که بر جهان زیر فلک ماه تسلط دارند، از این ویژگی خاص استفاده کرده و تمام مردم کره زمین را در ۱۲ گروه مشخص و معین دسته بندی نموده و با القانات خاص و تبلیغات بسیار دامنه‌دار سعی بر این دارند که انسانها حتماً خود را در این قالبهای قرار دادی بگنجانند و بدینوسیله تسلط خود را بر سلیقه و رفتار و مد و ایجاد الگوهای مصرفی اعمال نمایند و از آنجا که ثروت مهمترین وسیله و ابزار چنین خوی جهانخواهرگی و برتری طلبی آنهاست برای هر طبقه سنی و فکری خوراک خاصی

تدارک می بینند و از طریق اجیر نمودن دانشمندان و پیشرفته‌ترین لابراتوارها و کامپیوترها و با استفاده از تحقیقات آماری و روانشناسی و علوم پزشکی و علم ژنتیک (وراثت) و با ابزاری مانند ماهواره، رستاهای صوتی و تصویری، مجلات مد و فیلم‌های مبتذل و انجمن‌های خاص گمراه‌کننده و سیستم‌های آماری و اطلاعاتی، خصوصاً مواد مخدر و داروهای آرام‌بخش و هر امکان دیگری، جسم انسان را که لباس خدمت به خداوند است را در تصرف خود گرفته و سالیان سال عمر کودکان و جوانان را در مسیر گمراهی تلف کرده و هنگامی که پا به سن گذارند و پخته و آبدیده شوند که دیگر رمقی و فرصتی برای ادامه زندگی و انتخاب صحیح ندارند.

برای مثال در آلمان علم احکام نجومی را بیولوژی کیهانی نام نهاده‌اند و مردم را به فراگیری آن ترغیب می نمایند.

در ایران نیز انجمن‌های نجوم و مؤسسات آماتور (نوپا و مبتدی) تلاش تازه‌ای را آغاز نموده تا دوباره رصدخانه‌ها (مراکز ستاره شناسی) را احیاء نمایند. برای تمامی پویندگان راه دانش و آگاهی، توفیق الهی آرزو مندیم.

دفتر مطالعات رازهای پرواز

فهرست

- فصل اول : میراث آفرینش صفحه ۵
- فصل دوم : موقعیت سیارات نسبت به یکدیگر، مقارنه (داخلی و خارجی)،
تسدیس، تربیع، تثلیث، مقابله، خسوف، کسوف، اوج و حضیض،
ذنب و راس، رجعت، احتراق، روش محاسبه فاصله دو کوكب،
بیت الكوكب، شرف، هیوط یا سقوط، ویال، جدول صفحه ۱۱
- فصل سوم : فطرت شناسی و نمادهای آن صفحه ۲۶
- فصل چهارم : تقویم خورشیدی صفحه ۳۹
- فصل پنجم : تصاویر آسمانی - رصدهای هر برج صفحه ۵۱
- فصل ششم : تقویم قمری صفحه ۷۶
- فصل هفتم : گاهشمار ترکی صفحه ۸۱
- فصل هشتم : مغناطیس زمین و میدانهای جاذبه صفحه ۸۴
- فصل نهم : کاربردهای علم نجوم صفحه ۸۸
- فصل دهم : کف شناسی - کیمیاگری صفحه ۹۱

فصل اول

میراث آفرینش :

آثار باستانی و کتیبه‌ها و الواح و سنگ نبشته‌ها از دل تاریخ خبر می‌دهند که انسان از دیر باز در آرزوی یافتن کلیدهای صندوقچه سیاه و اسرارآمیز آسمان و تشنه دانستن و آموختن رازهای ماورای آن بوده است. در گذر هزاران سال این عطش سیری ناپذیر هنوز هم از مهمترین دغدغه‌های بشر است.

از گذشته‌های دور دانشمندان نجوم و ستاره شناسان با تقدیم لحظه لحظه عمر خود برای کسب دانش و ادراک صحیح‌تر این علم، به دنبال اجرام نورانی از پشت عسپها و ذره بینها تا تلسکوپهای قوی امروزه، سالها تلاش کرده‌اند. در این جزوه با بخش خاصی از علم ستاره شناسی سر و کار خواهیم داشت به نام نجوم سنتی.

محققین فضایی امروز با داشتن عالیتترین رصدخانه‌ها و قویترین تلسکوپها و پیچیده‌ترین دستگاهها و سریعترین کامپیوترها و کسب اطلاعات کامل در کلیه زمینه‌های فیزیک فضا و نجوم مدرن باز هم در تفسیر بسیاری از پدیده‌های طبیعی و غیر طبیعی و دانش‌های اسراری (شامل ارواح، نیروها و موجودات ناشناخته و حیطه‌های فراوانشناسی) به نجوم سنتی و مابعدالطبیعه گرایش پیدا کرده تا پاسخ مسایل حاد را از درون آن جستجو کنند.

ابتدا خانه خود را با دید تازه‌ای نگاه کنیم: شناسنامه، کارت شناسایی، و آدرس ما فقط به یک شهر و یک خیابان و یک شماره ساختمان محدود نمی‌شود. مادر ما، زمین، به سان گهواره‌ای سر سبز و زیبا ما را در آغوش خود گرفته و با عصاره‌های وجود خود می‌پرورد و مسئولیت تامین امکانات عالی رشد و تعالی را از زمان هبوط آدم به این جایگاه خاص بر دوش گرفته است. و پدر ما، آسمان است که نطفه خلقت را بر این زمین پاک انتقال داد.

نام این خانه و زادگاه و مهد بالندگی انسانهای بزرگ، مدرسه انسانیت و پرورشگاه خلیفه الله، منظومه شمسی است.



شاید روزی در کارت شناسایی هر يك از ما مثلاً بنویسند: نام = ایلپا، نام مادر = زمین، نام پدر = آسمان،
 آدرس = منظومه شمسی و ما هم انسانهای فضایی باشیم.

منظومه شمسی و ساکنان آن :

خاتواده تشکیل دهنده منظومه شمسی عبارتند از خورشید، عطارد، زهره، زمین با يك قمر، مریخ با دو قمر، مشتری با ۱۵ قمر، زحل با ۱۷ قمر، اورانوس با ۱۵ قمر، نپتون با ۸ قمر و پلوتون با ۱ قمر و به غیر از اجرام ریز و سیارکها که در قسمتهای خاص در حرکتند و چند ستاره دنباله‌دار که هر از چند گاهی سری به خانه ما می‌زنند هنوز سیاره دیگری کشف نشده ولی احتمال کشف سیارات بیشتری در آینده وجود دارد.
 به طور کلی منظومه شمسی را از دو دیدگاه می‌توان بررسی نمود:

۱ - زمین مرکزی : زمین ثابت فرض شود و خورشید به دور زمین در چرخش باشد (مبنای نظام بطلمیوسی و تفکر باستانی)

۲ - خورشید مرکزی : خورشید ثابت باشد و زمین به دور خورشید بچرخد (از دید گاه فیزیک و ستاره‌شناسی مدرن)

تعریف ستاره : ستارگان اجرام نورانی هستند که ثابت‌اند و حرکت نمی‌کنند.

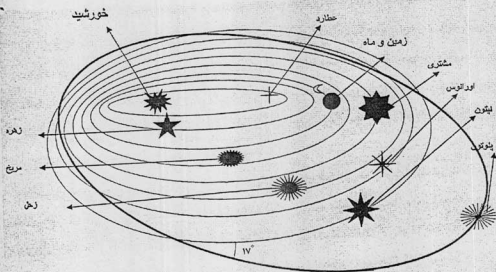
تعریف سیاره : اجرام گردنده یا سیرکننده و متحرک که در فضا به دور ستارگان ثابت در چرخش و دوران هستند و از خود نوری ندارند.

اما این تعاریف کامل نیستند. امروزه علم اثبات کرده است که همه چیز در حال حرکت است حتی ستارگانی نظیر خورشید که ثابت فرض شده بودند نیز در حال حرکتند و این سلسله تا کل عالم را فرا می‌گیرد. همه ذرات عالم در حال تغییر و حرکت است. و علم فیزیک، در تکاپوی پاسخگویی به فلسفه چرایی و چگونگی نظام هستی است.

اجازه دهید اتاقهای خانه را به شما نشان دهم :

مدارات خورشید :

خورشید با نور و درخشندگی بسیار در مرکز منظومه قرار دارد و به همین دلیل تمام منظومه ما، منظومه شمسی یا خورشیدی است. به تصویر زیر نگاه کنید. این تصویر ماکتی از منظومه شمسی است. (تصویر کودکانه ای از خانه همه ما)



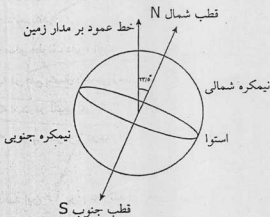
مدارهای سیاراتی که به دور خورشید می‌گردند، بیضی است. بیضی دایره کشیده است که دارای دو مرکز است و به هر یک از مراکز آن کانون می‌گویند. خورشید در یکی از کانونهای بیضی واقع شده است. کانون دوم بیضی به طرز اسرارآمیزی ناپیداست.

فرض کنیم ستارگان، پسران خانواده و سیارات، دختران خانواده باشند. پس به این ترتیب ساکنان منظومه خواران و برداران زمین محسوب می‌شوند. و اگر هر مدار، اتاقی از خانه باشد و هر یک از ساکنین خانه، در اتاق مخصوص به خود زندگی می‌کند و ظاهراً هیچک با دیگری کاری ندارد (البته ظاهراً).

هر يك از سیارات در مدار خود صفحه‌ای را مشخص می‌کنند و این صفحات تقریباً در يك مسیر و همسطح هستند اما صفحه مدار پلوتون به دور خورشید ۱۷ درجه انحراف دارد و این سیاره اسرارآمیز که دورترین سیاره به خورشید است گاهی در نیمکره شمالی و گاهی در نیمکره جنوبی سیر می‌کند. این شخصیت مرموز، (که در کارتونه‌های کودکانه به شکل سنگ طراحی شده) سنگ خاتواده است و نقش نگهبان خانه را دارد.

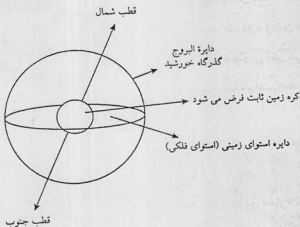
در اطراف و بالا و پایین خانه سرکشی می‌کند و حتماً اطلاعات زیادی از محله های دورتر با خود دارد.

خط استوای زمین : کمربند فرضی به دور کره زمین که زمین را به دو نیمکره تقسیم می‌کند و نیمکره شمالی را از نیمکره جنوبی جدا کرده و به دلیل برجستگی کره زمین و نزدیکی به خورشید گرمترین نقاط زمین است.



کره زمین از خط عمود بر مدار بیضی خورشید ۵/۲۳ درجه انحراف دارد.

با وجودی که این زمین است که بر روی مدار بیضی که خورشید در یکی از کانونهای آن واقع است می‌گردد اما برای ناظر زمینی چنین است که خورشید در حرکت ظاهری خود در آسمان مسیر دایره مانند را می‌پیماید که در طی یکسال تشکیل کره فرضی را می‌دهد به نام دایره البروج. (عکس صفحه بعد)



صفحه مسیر زمین به دور خورشید یا صفحه مسیر ظاهری و فرضی خورشید به دور زمین هیچ تفاوتی در محاسبات نجومی ایجاد نمی‌کند.

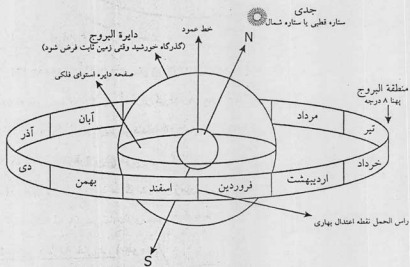
منطقه البروج: در فضای اطراف دایره البروج، نواری به پهنای ۸ درجه وجود دارد که جایگاه همیشگی ۱۲ صورت فلکی است که در طی یکسال شمسی زمین، در پهنه آسمان دیده می‌شود. هر دایره ۳۶۰ درجه است در نتیجه هر یک از ۱۲ صورت فلکی، ۳۰ درجه از دایره را اشغال نموده است. $360 \div 12 = 30$ که به هر ۳۰ درجه آن یک برج می‌گویند و هر برج را بر مبنای تصویر آسمانی آن نامگذاری کرده‌اند.

همانطوری که می‌دانید این ۱۲ برج عبارتند از: فروردین (یا حَمَل = قوچ)، اردیبهشت (ثور = گاو نر)، خرداد (جوزا = دویبکر)، تیر (سرطان = خرچنگ)، مرداد (اسد = شیر)، شهریور (سنبله = خوشه)، مهر (میزان = ترازو)، آبان (عقرب = کژدم)، آذر (قوس = نیم اسب و کمان)، دی (جذی = بزغاله)، بهمن (دلو = سطل آب یا آب کش)، اسفند (حوت = دو ماهی)

لحظه ورود خورشید به هر برج را رأس می‌نامند. لحظه ورود خورشید به برج حمل (فروردین) را رأس الحمل نامیده و این نقطه را نقطه اعتدال بهاری گویند و آغاز فصل بهار را از این حالت بررسی می‌نمایند. تحویل سال نو در تقویم ایرانی نقطه اعتدال بهاری است. نقطه مقابل آن در برج مهر (میزان) را نقطه اعتدال پاییزی نام دارد.

فاصله زمانی دو گذار پی در پی مرکز خورشید بر نقطه اعتدال بهاری را سال خورشیدی می‌نامند.

به شکل زیر با دقت نگاه کنید. زمین در مرکز و ثابت فرض شده است زیرا ناظر زمینی، هنگام رصد (محاسبه و بررسی) منظومه شمسی خود را ثابت می‌پندارد. دایرة البروج، صفحه مسیر کلی عبور و گذرگاه خورشید در همه حالات و شرایط زمانی از دید ناظر زمینی است. قطبین کره زمین با ۲۳ درجه انحراف از خط عمود بر استوای دایرة البروج و جهت قطب شمال کره زمین به سمت ستاره شمالی (جدی) است. کمربندی به پهنا ۸ درجه با تقسیم‌بندی ۱۲ گانه هر يك به طول ۳۰ درجه دایرة البروج را نشان می‌دهد.



فصل دوم

موقعیت سیارات نسبت به یکدیگر

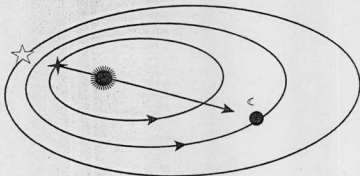
روابط خانوادگی : حال بهتر است ارتباط بین افراد این خانه را بیشتر بشناسیم و حالات و موقعیت‌های مختلف آنان را در کنار یکدیگر بررسی نماییم. حالاتی از قبیل دوستی یا دشمنی، یاری رساندن یا تضعیف کردن، سر راه هم قرار گرفتن، رفتن و بازگشتن، به اوج رسیدن یا سقوط کردن و ...

مقارنه (قران)

در لغت به معنای اجتماع، اتصال و إقتران است و در نجوم به موقعیتی اطلاق می‌گردد که دو یا چند سیاره به همراه خورشید در يك راستا قرار گیرند. هر سیاره در مدار ثابتی به دور خورشید می‌چرخد و در نتیجه حالتها و موقعیتهای مختلفی پیدا می‌کند. وقتی زمین در يك طرف و خورشید و يك یا چند سیاره در طرف دیگر قرار گیرند، مقارنه یا قران رخ می‌دهد.

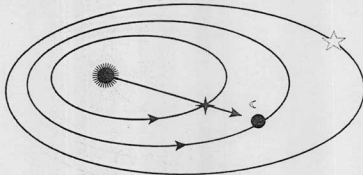
مقارنه بر دو نوع رصد می‌گردد: اگر زمین در يك طرف خورشید، و سیارات دیگر در طرف دیگر خورشید قرار بگیرند مقارنه خارجی یا علوی صورت گرفته است.

تصویر مقارنه خارجی (علوی)



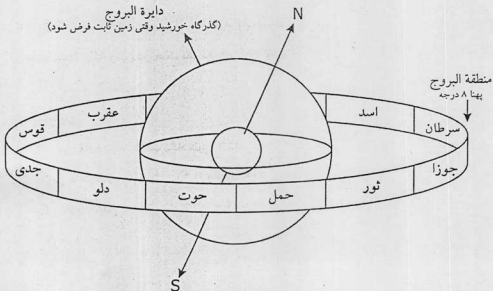
در هنگامی که یکی از سیارات داخلی (زهره یا عطارد و یا هر دو با هم) بین زمین و خورشید قرار گیرد مقارنه داخلی یا سفلی روی می‌دهد.

تصویر مقارنه داخلی (سفلی)

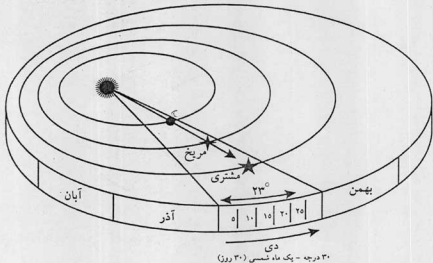


نکته : مقارنه از دیدگاه نجوم سنتی نه سعد است و نه نحس. با توجه به موقعیتی که در منطقه البروج دارد و به دیگر کواکب که در نزدیکی آن برج واقع هستند، بستگی دارد.

برای درک بهتر این مطلب، دایرة البروج را در دل منطقه البروج در نظر بگیرید. (عکس زیر) به همان ترتیبی که در درس قبل توضیح داده شد، هر ۳۰ درجه از کمربند منطقه البروج به یکی از ماههای شمسی نامگذاری شده است. (فروردین ، اردیبهشت ، ... اسفند)



تصویر مقارنه در منطقه البروج



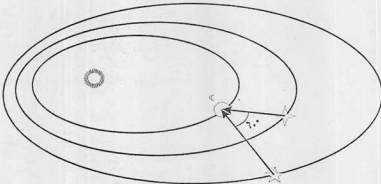
به تصویر بالا دقت کنید. کل تصویر منطقه البروج را نشان می‌دهد و مدار بیضی زمین به دور خورشید رسم شده و از دید ناظر زمینی گردش سالانه زمین به دور خورشید که تقریباً هر ۳۰ روز در برج خاصی قرار می‌گیرد یک ماه شمسی از ماههای ۱۲ گانه را سپری می‌کند.

فرض کنید در محدوده سی روزه دی ماه، مریخ در حدود ۲۳ درجه، دی و مشتری نیز در همان محدوده قرار دارد. نتیجه اینکه زمین در حالت مقارنه با مریخ و مشتری است.

تسدیس :

به تصویر صفحه بعد با دقت نگاه کنید. هنگامی که دو کوكب در مدار خود، در موقعیتی قرار بگیرند که نسبت به زمین با هم زاویه ای برابر ۶۰ درجه داشته باشند به اصطلاح منجمین در حالت تسدیس قرار دارند. در بعضی متون قدیمی اصطلاح نشستن درج گردیده است. تسدیس نشستن یا نظر تسدیس داشتن به همین مفهوم اطلاق می‌گردد.

تصویر تسدیس



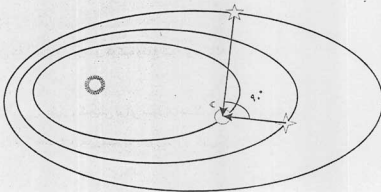
این حالت را نیز می‌توان در منطقه البروج رصد نمود و نشان داد که هر کوکب در چه زاویه از ماه شمسی قرار دارد. ممکن است سیاره اول در یکی از برج‌ها یعنی یکی از ماههای سال مثلا دی باشد (در فاصله صفر تا ۳۰ درجه از برج دی) و سیاره دوم در برج اسفند قرار گیرد. به هر حال فاصله آنها با هم نسبت به زمین ۶۰ درجه باید باشد.

این حالت نیمه سعد است و شدت سعد بودن آن به کواکبی است که در تسدیس نشسته‌اند.

تربیع :

اگر فاصله دو یا چند کوکب از هم ۹۰ درجه باشد در اصطلاح نجوم به حالت تربیع نشسته‌اند. به تصویر زیر دقت کنید.

تصویر تربیع

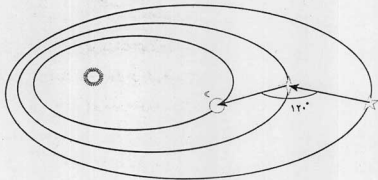


نظر تریبغ نحس به شمار می‌آید.

در شکل صفحه قبل مریخ و مشتری در تریبغ نشسته‌اند.

تثلیث : هر گاه فاصله زاویه‌ای دو یا چند کوكب با هم 120° درجه باشد در اصطلاح ستاره شناسی گویند که دو کوكب در حالت تثلیث نشسته‌اند. به تصویر زیر با دقت نگاه کنید.

تصویر تثلیث



نظر تثلیث سعد اکبر است .

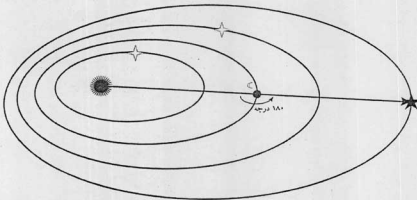
در شکل بالا زمین و مشتری در تثلیث نشسته‌اند . زاویه بین آنها 120° درجه است.

مقابله :

هنگامی که زمین ما بین دو کوكب واقع شود و فاصله زاویه‌ای میان آنها 180° درجه باشد، این حالت را مقابله گویند.

در مورد زمین چنین وضعیتی برای سیارات داخلی عطارد و زهره اتفاق نمی‌افتد زیرا مدار زمین طوری است که زمین بین عطارد و خورشید یا بین زهره و خورشید قرار نمی‌گیرد.

تصویر مقابله



از نقطه نظر سعادت و نحوست اگر مقابله بین دو کوکب سعد باشد مانند شمس و زهره، سعد محسوب می‌گردد. و اگر بین دو کوکب نحس باشد مانند زحل و مریخ، نظر مقابله نحس به شمار می‌رود. عطارد و قمر تابع هستند یعنی اگر با سعد بنشینند سعد و اگر با نحس بنشینند، نحس محسوب می‌شوند.

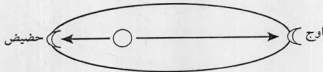
در علم ستاره شناسی غربی، هر زاویه که به ۱۸ قابل قسمت باشد را سعد می‌دانند. و هر زاویه که به ۲۲/۵ قابل قسمت باشد را نحس در نظر می‌گیرند. به جز زاویه ۹۰ درجه که هم بر ۱۸ و هم بر ۲۲/۵ قابل قسمت می‌باشد (نظر تربیع) و این اعتقاد را دارند که شروع هر کار خوب ولی سرانجام آن بد خواهد بود. در نتیجه چون همیشه پایان کارها مد نظر است در کل تربیع را نحس به حساب می‌آورند.

فاصله زاویه‌هایی که بررسی شد، بین صفر تا ۱۸۰ درجه بود و اگر فاصله زاویه‌ها نزدیک به هر یک از این حالتها باشد باز همان حکمها برقرار است. مثلاً زاویه ۱۲۵ درجه نزدیک به ۱۲۰ درجه است پس همان حالت سعد اکبر را داراست.

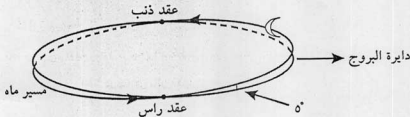
برای مثال زاویه‌های نزدیک زاویه ۱۸۰ درجه را همان حالت مقابله در نظر می‌گیرند. در نجوم شرقی زاویه ۱۵۰ درجه را ساقط یعنی بدون هیچ تاثیر، نه سعد و نه نحس. اما در غرب آن را نزدیک ۱۸۰ درجه در نظر مقابله قرار می‌دهند.

اوج و حضیض :

هنگامی که ماه در مسیر حرکت خود به دور زمین که به شکل بیضی است و زمین در یکی از کانونهای آن واقع شده، در دورترین فاصله قرار گیرد در اوج قرار خواهد داشت.
و هنگامی که ماه در نزدیکترین فاصله از زمین باشد، در حضیض است.

ذنب و رأس :

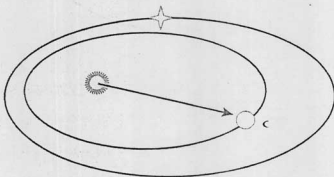
صفحه مدار ماه بسیار نزدیک به صفحه دایرة البروج (مسیر ظاهری خورشید بر کره آسمان) است و با آن زاویه 5° درجه می‌سازد و در دو نقطه مسیر ماه صفحه دایرة البروج را قطع می‌کند. به این دو نقطه گره یا عقدتین می‌گویند. این نقاط در فضا ثابت نیستند بلکه در جهت عقربه‌های ساعت و در امتداد دایرة البروج حرکت می‌کنند و هر دور کامل این نوع حرکت ۱۹ سال به طول می‌انجامد. همان طور که طی مسیر خورشید در دایرة البروج یک سال طول می‌کشد، طی این مسیر برای ماه، یک ماه (تقریباً ۳۰ روز) است. در نیمی از این مدت ماه بالای دایرة البروج قرار می‌گیرد و در نیم دیگر مسیر، در زیر دایرة البروج می‌باشد و همین انحراف مسیر موجب می‌شود که ماه هر روز در حدود 51 دقیقه دیرتر از روز قبل طلوع کند.



خسوف :

ماه گرفتگی است یعنی هرگاه زمین بین خورشید و ماه قرار گیرد و مانع رسیدن نور خورشید به ماه شود، سایه زمین بر ماه می‌افتد و ماه تاریک به نظر می‌رسد. به تصویر زیر توجه کنید:

تصویر ماه گرفتگی

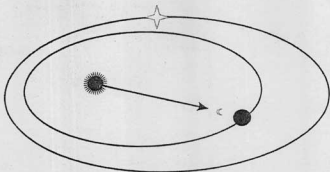


گاه تمام قرص ماه توسط سایه زمین پوشیده می‌شود (خسوف کامل) و گاهی بخشی یا نیمی از لبه‌های ماه تاریک شده و در طی مدت زمانی برطرف می‌شود (خسوف جزئی).

کسوف :

به معنای خورشید گرفتگی است و هنگامی که ماه بین زمین و خورشید قرار می‌گیرد و مانع رسیدن نور خورشید به زمین می‌شود. در اینصورت سایه ماه بر زمین برای مدتی تقریباً چند ساعت موجب تاریکی زمین می‌شود. وقتی ماه کاملاً خورشید را بپوشاند و هیچ نوری از خورشید دیده نشود خسوف کامل صورت گرفته و گاهی در موقعیتی که فاصله زمین از خورشید زیاد باشد ماه نمی‌تواند تمامی قرص خورشید را پوشش دهد در نتیجه به صورت لکه گرد سیاه از برابر خورشید عبور کرده و کسوف حلقوی رخ می‌دهد. و گاهی ماه مانع رسیدن بخشی از نور خورشید به زمین می‌شود که کسوف ناقص یا جزئی است. تصویر صفحه بعد :

تصویر خورشید گرفتگی



از آنجا که همه ساکنان کره زمین از یک نقطه به این مناظر نگاه نمی‌کنند و به دلیل چرخش زمین به دور خود، نیمی از کره زمین در پشت صحنه قرار دارد. برای مردمان نیمه‌ای که سمت خورشید قرار دارند، کسوف یا خسوف مرئی است (قابل رویت و مشاهده) و برای نیمه پشت کره زمین، غیر مرئی (غیر قابل مشاهده) است.

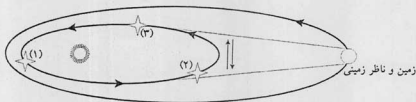
رجعت:

با توجه به این که زمین در مدت ۳۶۵ روز یک دور کامل به دور خورشید می‌چرخد و سرعت دوران آن نسبت به عطارد (که به خورشید نزدیکتر است) کندتر است، پس عطارد تندتر از زمین به دور خورشید می‌چرخد. به شکل صفحه بعد با دقت نگاه کنید.

از دید یک ناظر که بر روی زمین زندگی می‌کند هنگامی که از زمین به عطارد که نزدیکترین سیاره به خورشید است می‌نگرد و حالت‌های مختلف آن را در طی ۸۸ روز (یکسال شمسی عطارد ۸۸ روز است) بررسی می‌نماید به طور مثال در ابتدا آن را در وضعیت (۱) رصد می‌کند.

پس از چندی عطارد را در وضعیت (۲) می‌بیند، در نتیجه برای حرکت آن فلش ↓ را رسم کرده و باز هم پس از گذشت مدت زمان دیگری، آن را در وضعیت (۳) مشاهده می‌نماید و بعد از آن دوباره عطارد را در موقعیت (۱) می‌یابد. در نتیجه جهت حرکت آن را با فلش ↑ رسم می‌نماید. در چنین وضعیتی، در نظر شخصی که به آسمان نگرسته مانند این است که سیاره عطارد در منطقه البروج، یکبار از سمت چپ به راست حرکت نموده

و پس از مدت کوتاهی دوباره از سمت راست به چپ بازگشت کرده و یا به اصطلاح رجعت نموده است. تصویر رجعت عطارد از دید ناظر زمینی :



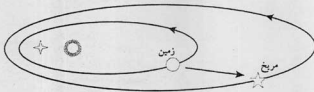
رجعت در علم نجوم حالت نحس است.

باید توجه داشت هر زمان که مسیر سیاره‌ای به ظاهر بخواهد تغییر یابد باید در لحظه‌ای توقف نموده و سپس بازگشت نماید.

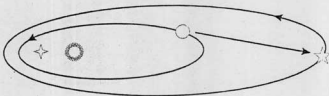
رجعت مریخ :

از دید ناظر زمینی هنگامی که زمین و مریخ در مدار خود در یک جهت به دور خورشید در حال گردش هستند مدار مریخ از مدار زمین بزرگتر و سرعت مریخ کندتر از سرعت زمین است. چون سرعت زمین تقریباً دو برابر سرعت مریخ است در موقعیت خاصی زمین سبقت گرفته و از مریخ جلو می‌افتد و به نظر می‌رسد که مریخ متوقف شده و سپس مریخ به عقب باز می‌گردد. پس از مدت کوتاهی چنین به نظر می‌آید که باز هم مریخ هم جهت با زمین در مدار خود به دور خورشید است و همان جهت اول خود را ادامه می‌دهد. در حقیقت این مریخ نیست که بازگشت نموده، این خطای دید ناظر زمینی است که چنین رصد می‌نماید. زمین همچنان به مسیر خود در حرکت است و مریخ را دوباره در وضعیت توقف و تغییر جهت مجدد می‌بیند. به تصاویر صفحه بعد با دقت نگاه کنید و سپس منحنی حرکت و رجعت مریخ را ملاحظه نمایید :

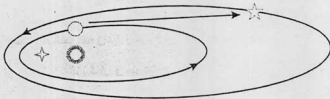
حالت اول



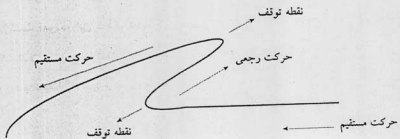
حالت دوم



حالت سوم



منحنی رجعت مریخ :



احتراق :

در لغت به معنی آتش گرفتن است ولی در بحث نجوم برای موارد خاص تعریف شده است. از آنجایی که سیارات منظومه شمسی بر مدار بیضی به دور خورشید می‌چرخند گاه از خورشید دور و گاهی بسیار نزدیک می‌شوند. برای مثال، کره زمین در فصل تابستان در موقعیتی قرار می‌گیرد که نزدیکترین فاصله از خورشید را طی می‌کند در نتیجه هوا بسیار گرم و روزها طولانی‌تر می‌شوند. سیاره‌ای مانند عطارد که خیلی نزدیکتر است به خورشید نیز چنین حالتی را دارد پس در اثر نزدیک شدن بیشتر چون گوی کوچک قرمز یا نارنجی رنگی دیده می‌شود که به نظر می‌رسد آتش گرفته است. به این حالت احتراق عطارد می‌گویند.

احتراق در نجوم حالت نحس است و کویکی که تحت الشعاع قرار می‌گیرد، در حالت ضعیف خود بررسی می‌گردد و نورش زایل شده و نمی‌تواند بر چیزی دلالت داشته باشد.

به طور کلی منجمین شرقی حالات مختلف کواکب را چنین رده بندی می‌کنند:

نصف تسدیس = ۳۰ درجه، سعد است.

نصف تربیع = ۴۵ درجه، نحس است.

تسدیس = ۶۰ درجه، سعد است.

تخمیس = ۷۲ درجه، سعد اصغر است.

تربیع = ۹۰ درجه، نحس است.

تثلیث = ۱۲۰ درجه، سعد است.

زاویه = ۱۳۵ درجه، نحس است.

خمس = ۱۴۴ درجه، سعد اصغر است.

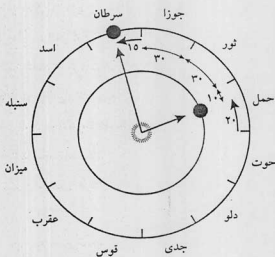
زاویه = ۱۵۰ درجه، محدوده آن نحس است.

مقابله = ۱۸۰ درجه، نحس است.

مقارنه = بستگی به طبیعت کواکب و قوت آنها دارد.

مثال: مریخ در ۲۰ درجه حمل و مشتری در ۱۵ درجه سرطان واقع است حالت آن را بررسی نمایید.

منطقه البروج را از طرف بالا رسم می‌کنیم به طوریکه خورشید نقطه‌ای در مرکز فرض شود. یعنی دایره‌ای برای مسیر مریخ و رسم نموده و آن را به ۱۲ قسمت مساوی در نظر گرفته که هر قسمت آن ۳۰ درجه خواهد داشت. نقطه‌ای دلخواه را شروع خاتمه حمل قرار داده و خاتمه بعدی را ثور و بعدی را جوزا، تا به خاتمه سرطان برسیم.



از خاتمه حمل ۲۰ درجه و از خاتمه سرطان ۱۵ درجه انتخاب نموده و مکان دو سیاره را علامت گذارده و فاصله دو نقطه را محاسبه می‌نماییم.

$$\text{مجموع کل زاویه بین دو نقطه} = ۱۰ + ۳۰ + ۳۰ + ۱۵ =$$

فاصله دو سیاره از هم = ۸۵ درجه

نکته مهم :

سیارات در آسمان قطر یا پهنایی دارند که از نظر ناظر زمینی این پهنای درجاتی از دایره را اشغال می‌نماید. با توجه به فاصله و دوری و نزدیکی سیارات از زمین :
به طور قراردادی قطر ظاهری جرم شمس را ۱۵ درجه محاسبه نموده‌اند.

قطر ظاهری قمر = ۱۲ درجه

قطر ظاهری زحل = ۹ درجه مشتری = ۹ درجه

اورانوس = ۸ درجه مریخ = ۸ درجه

زهره = ۷ درجه عطارد = ۷ درجه نپتون = ۷ درجه پلوتون = ۷ درجه

در مورد محاسبه دقیقی در مثال بالا، مریخ و مشتری فضایی را اشغال نموده و دارای پهنای ظاهری هستند که :

پهنای ظاهری مشتری در فضا + پهنای مریخ = ۱۷ درجه

فاصله دو مرکز سیارات $۱۷ \div ۲ = ۸/۵$

اگر سیارات فقط به صورت دو نقطه بودند و اگر در حالت تریب باشند، باید ۹۰ درجه فاصله داشته باشند. اما

اگر دارای قطر ظاهری هستند باید پهنای هر دو را جمع کرده و نصف آنرا از ۹۰ کم نمود (فاصله دو مرکز

سیارات از هم ملاک می‌باشد). به این ترتیب $۹۰ - ۸/۵ = ۸۱/۵$

هنگامی که سیارات در زاویه حدود ۸۱ درجه از هم قرار بگیرند در تریب نشسته‌اند. و از ۸۱ تا ۹۰ همان

حکم تریب است و تریب نحس است. اما چون مشتری سعد اکبر است و مریخ نحس است نصف عداوت تفسیر می‌شود.

محل استقرار سیارات در درجات آسمان	بیت الكواكب	شرف	هبوط یا سقوط	وبال
حالت ← بروج ↓	سعد	سعد	نحس	نحس
حمل	مریخ	۱۹ درجه شمس	۲۱ درجه زحل	زهره
ثور	زهره	۳ درجه قمر	اورانوس	مریخ
جوزا	عطارد	-----	-----	مشتری
سرطان	قمر	۱۵ درجه مشتری	۲۸ درجه مریخ	زحل
اسد	شمس	-----	-----	اورانوس
سنبله	عطارد	۱۵ درجه عطارد	۲۷ درجه زهره	مشتری
میزان	زهره	۲۱ درجه زحل	۱۹ درجه شمس	مریخ
عقرب	مریخ	اورانوس	۳ درجه قمر	زهره
قوس	مشتری	-----	-----	عطارد
جدی	زحل	۲۸ درجه مریخ	۱۵ درجه مشتری	قمر
دلو	زحل	-----	-----	شمس
حوت	مشتری	۲۷ درجه زهره	۱۵ درجه عطارد	عطارد

با مراجعه به جدول بالا، هر برج در جوار کواکب مریخی خود در قوی‌ترین حالت قرار دارد و در فاصله خاصی این قدرت به بهترین تاثیر خود می‌رسد. در بیت الكواكب قدرت برج تا ۵ برابر و در شرف ۴ برابر حالت عادی است. برعکس هنگامی که در موقعیت خاصی از سیارات و کواکب مخالف خود قرار گیرند هبوط کرده و کاملا قدرت خود را از دست داده و ساقط می‌گردند. و زمانی که برج، سیارات و کواکبی که با آنها سازگار نیست را بپذیرا شود (مثلا سیاره زهره از خاتمه حمل عبور کند) موجب تضعیف قدرت آن برج و شرایط حاکم بر آن می‌شود.

مثال: خانه کواکب مریخی برج ثور (اردیبهشت)، زهره است و هنگامی که در فاصله ۳ درجه از قمر (ماه) قرار گیرد، شرف قمر است یعنی در بالاترین حد تاثیر و قوی‌ترین حالت خود می‌باشد. این حالت در هر ماه قمری یکبار وجود دارد. در هنگامی که سیاره اورانوس به هر نحو و با هر فاصله، در آسمان حضور داشته باشد، برج هبوط می‌کند و از قدرت تاثیر ثور به شدت کاسته می‌شود تا حد بی اثر شدن (ساقط بودن) که حالت کاملا نحس محسوب می‌گردد. وبال نیز حالت نحسی است که به دلیل این که مریخ ذاتا با زهره از نظر خصوصیات و رفتار در تقابل و ضدیت است هنگامی که در آسمان ثور دیده شود موجب تضعیف تاثیرات آن می‌گردد.

فصل سوم

فطرت شناسی و نمادهای آن

در فصل اول با منظومه شمسی و ساکنان آن آشنا شدید. خانه‌ای با اتاقهای بیضی و ساکنانی که هر يك در جای مشخص به کار خود مشغول بوده و در فصل دوم تا حدودی به روابط فی مابین آنها پی بردید. هر يك از آنها موجودی منحصر به فرد و خاص است که دارای خصوصیات و صفات متمایز از دیگری است. به طور حتم تا کنون با کتابها و مطالبی در باره طالع بینی و فالگیری ... آشنا شده‌اید و یا شنیده‌اید که اگر شخصی متولد ماه یا سال بخصوصی باشد چنین است و چنان. و گاهی از درستی بعضی مطالب آنها متعجب گشته و برای دانستن بیشتر راجع به سرنوشت و آینده خود و یا آموختن این شیوه‌ها احساس علاقه کرده و به هر دری زده‌اید. شاید یافته باشید. به هر حال راز اینگونه علوم در تکه تکه ساکنان منظومه شمسی پنهان است. با شناخت بیشتر درباره نوع رفتار و خصلت‌ها و صفات هر يك از این موجودات که به صورت سمبل و نماد در همه علوم جای خود را باز کرده‌اند یا ردیابی از خود به جا گذاشته‌اند، می‌توانید به بخشی از کنج‌های خود پاسخ دهید.

در این فصل به سراغ فرد فرد این نمادها رفته و نکات و ریزه‌کاری‌های آنها را بهتر بررسی می‌نماییم. به طور کلی همه انسانهایی که متولد می‌شوند، در یکی از ماههای سال پا به عالم هستی می‌گذارند و به همین علت است که می‌توان آنها را به شیوه دیگری دسته‌بندی نمود. برای مثال همه کسانی که در ماه اردیبهشت متولد شده و یا می‌شوند، به طور کاملاً مشهودی از يك سری مشخصات ظاهری مشابه و همچنین عادات و رفتارهای یکسان برخوردارند که در هر جای جهان که باشند و وابسته به هر قوم و ملیتی که باشند. يك فطرت-شناس به راحتی می‌تواند آن را تشخیص دهد. حتی شخصیتهای يك رمان و یا هنرپیشه‌هایی که در يك فیلم بازی می‌کنند، هنگامی برای شخص خواننده داستان و یا بیننده فیلم باور پذیر خواهند بود که با انتخاب صحیح تیپ و شخصیت خاص داستانی، که بر گرفته از فطرت‌شناسی ناخودآگاه است، هماهنگی و هارمونی داشته باشد. در غیر اینصورت به احتمال قوی موارد موفق نخواهند بود و جذابیت خود را از دست خواهند داد.

نا گفته نماند که در شرایط اجتناب ناپذیر اجتماعی و فرهنگی نامناسب با روحیات افراد، بسیار موارد دیده شده که افراد از فطرت خود خارج گشته و یا ترکیبی از دو یا چند فطرت با هم تداخل ایجاد کرده و انسانهایی بیمار معناد، پوچ گرا، و دارای رفتارهای بسیار غامض و پیچیده که در روانشناسی هر يك نامی دارد و درمان و هدایت اینگونه موارد بسیار سخت صورت می پذیرد و گاه غیر ممکن است.

در موارد خاص نیز، سالکان و رهروانی هستند که برای سیر تکامل و پیشرفت معنوی خود با راهنمایی مربی و استاد واصل به حق و با قلبی آکنده از عشق الهی، به همه خاتنه‌های منطقه البروج، يك به يك وارد شده و در حالت ابرآگاهی، با رعایت کلیه خصوصیات فردی و ادراک شرایط و ظرایف خاص آن، تمام فطرت‌ها را تجربه نموده و با ضعفها و نقاط قوت هر يك به خوبی آشنا گردیده و با اقتدار کامل از شرایط ناهنجار و نابسامان روحی و روانی هر منزل آن عبور کرده و با معضلات و گره‌های منفی هر نوع شخصیت با دید مثبت، از نزدیک آشنا گردیده و راه خروج و رسیدن به کمال را در هر يك به طرق مختلف دریافته و در ورود به این آزمون عظیم به درک و دریافت عالی از جهان دست می‌یابد و به راز و رمزهای پیچیده خلقت بسیار آشنا می‌گردد. و این یکی از درجات علمی و عملی برای عارف به حق است.

اکنون به سراغ هر يك از ساکنان منظومه رفته و از نزدیک با هریک آشنا می‌شویم.

عطارد:

این سیاره، مربی جوزا (خرداد) و سنبله (شهریور) است و بر سیستم اعصاب، ادراک پنج حس لامسه، بینایی، شنوایی، گویایی، چشایی دلالت دارد و همچنین بر تنفس و پیوندگاه‌های عصبی در یاخته‌ها (حوزه بیوالکتریک) حاکم است. بیماریهایی که سلامتی او را تهدید می‌کند : عصبیت، صفری، کلیه و کبد، ناراحتی روانی، فلج موضعی، لکنت زبان، ستون فقرات است.

در زمانهای قدیم پیام‌آور خدایان لقب داشته است. به علت نزدیکی به خورشید و کوتاه بودن مدار آن، هر ۸۸ روز یکبار، خورشید را دور می‌زند و باعث ناراحتی‌های عصبی، هیجان زدگی، خستگی شدید عصبی (نوراستنی) بدخلقی و بی‌قراری می‌گردد. اشخاصی که طالع آنها در خرداد و شهریور است شدیداً تحت تاثیر رجعت عطارد قرار دارند. (به فصل قبل مراجعه شود)

چالاک هم از نظر جسمانی و هم ذهنی، بسیار ماهر، سخنور، پر انرژی، پرکار، صنعتگر، علاقمند به علوم غریبه، عاشق طبیعت و سنگ و اسب و پیانو و سازهای موسیقی و مطالعه کتب علمی، باریک، سبزه، سودایی

مزاج، تابع مد و تغییر، با پوست صاف و نرم، صورت بیضی و دراز، پیشانی بلند و برجسته، چشمانی تیره و کوچک، بینی تیز و کمی گوشتی، بیقرار، عصبی، زیرک، یا بهترین مردمان یا بدترین (حد وسط ندارد)، از نقاط ضعف دیگران برای پیشرفت خود استفاده می کند، دیپلمات، سیاسی، تیزهوش، تاجر مسلک با لحن کاسبکاراته، موفق در تجارت و مدیریت بالا

با تاثیر نحس: حقه بازی، دورویی، نادرستی، کلاهبرداری، کلاشی، شارلاتانی، معتقد به خرافات

زهره:

مریخی ثور (اردیبهشت) و میزان (مهر) است. حاکم گردن و گلو و حنجره و مری و کلیه ها و سیستم تولید و تناسل و گوش داخلی و جلب و تشخیص هارمونی و موسیقی و تعادل و احساسات هنری. برای بررسی ناراحتی های مزمن لنفاوی و کلیوی و حلق و لوزه با توجه به نظرات دیگر سیارات بر زایچه فرد می توان به آن پرداخت.

در بابل زهره را با نام ایشتر خدای صبح و عصر و به عنوان الهه عشق و احساس می دانستند و تمایلات شهوانی مخلوقات زمینی به او نسبت داده اند. گاه ظالم و انتقامجو و گاه عامل بخشش و رحمت است. نام مشابه او آفرودیت، ونوس و تاهید بوده. در حالت مثبت، اشتیاقی به رقص و موسیقی و شعر دارد. متنفر از شرارت و خبث و از جنگ بیزار است. زیبایی، جذابیت، با احساس همدردی و عشق و احساسات جنسی، ذاتا هنرمند، خوش صحبت، سلامت، خواهان اشیاء لوکس، با ظرافت، با سخاوت، با قدی متوسط، بافت پوستی نرم و لطیف، صورت بیضی یا گرد، ابروها نوك تیز، مژگان بلند. در حالت منفی در بردارنده کودنی ذهن، عاشق پیشگی، ترسوئی، ناتوانی در ابراز وجود، هرزگی و شلختگی، خطاکاری، گمبامی و رسوایی. کوکب مونث با مسایل نفسانی و مهریانی و گرمی احساسات، برای نشان دادن جنسیت زنانه.

مریخ:

دوره تناوب حرکت انتقالی به دور خورشید = ۶۸۷ روز

دوره تناوب حرکت وضعی به دور محور خود = تقریبا هر ۲۵ ساعت یکبار به دور خود می چرخد.

حجم = ۰/۱۵ حجم زمین

جرم = $0/1$ جرم زمین

دما = از $100 -$ درجه سانتیگراد تا $27+$ درجه متغیر است.

رنگ : سرخ آجری و خاکستری و سفید

دارای میدان مغناطیسی ضعیفتر از زمین (یک هزارم زمین) است.

دارای دو قمر است به نامهای فوبوس (ترس) و دیموس (وحشت) که از یاران اساطیری مارس خدای جنگ در قدیم بوده‌اند.

کوکب حاکم بر حمل یا فروردین و در سطحی پایین‌تر بر عقرب یا آبان. در موقعیت مخالف با خورشید یا زحل و مشتری در زایچه فرد نشان دهنده ناتوانی و سستی و ضعف عضلانی و امور جنسی، سوء تغذیه و تاثیرات نا-بهنجار و ناخوشی برای آن فرد می‌باشد. اگر در هنگام تولد کواکب مریخ و خورشید و عطارد در حالت سعد نباشند و در نحسی قرار گیرند وجود بیماریهای فوق قطعی است. دیگر بیماریها و خطراتی که برای مریخی‌ها ممکن است حادث گردد عبارت است از: تب، آبله، سنگ کلیه و مثانه، گلو درد، سقوط، چاقو، گزش خزندگان. مریخ حاکم است بر توانایی و انرژی و نیرو و شجاعت و حیات نفسانی. اگر هنگام تولد شخص با نظر نامساعد قرار گرفته باشد در دوره‌هایی که سیارات دیگر به زاویه ناموزون و نامناسب با این سیاره برسند شخص دچار تب و از دست دادن کالری می‌گردد و هیدروکربورهای موجود در بدن به صورت گرما و انرژی خارج می‌شود. گلبولهای قرمز خون و خونریزی ناشی از حوادث و عمل جراحی و تمام زخمها و بیماریهای عضلانی و تناسلی حتی بیماریهای عفونی و واگیردار تحت قدرت این سیاره سرخ رنگ است. در افسانه‌ها خدای جنگ و آتش یاد شده. رب‌النوع همتای رومی آن آرس است.

اگر با نظر سعد بر زایچه فرد بنشینند: آن شخص فاتح در جنگ و منازعات، شکست ناپذیر، شجاع، مطمئن به نفس، استوار و ثابت قدم، دارای هدف و نیرومند و جنگ طلب است. افرادی که تحت تاثیر نافذ و مثبت مریخ هستند اکثراً مشاغلی چون پزشکی، ورزشی، افسری ارتش، هنرپیشگی و سیاستمداری پیشه می‌کنند.

فعال، پرانرژی، چالاک، علاقمند به بازیهای ورزشی، خشن و بدون ظرافت ولی با نیت خوب، بی پروا، آتشین مزاج، پرخور، رقیق باز و سخاوتمند و بلند همت است.

مشخصات منفی: پرگویی و وراجی بدون صاحب نظر بودن در امور، مشتاق قتل و جنایت و دعوا، درگیری، نزدی.

مروج فساد و وحشت و اضطراب، راهزن، دهن بین، دارای روح سرکش، وقیح، مهاجم، ضد بشریت، ناسپاس و کلاهبردار.

چون نمایانگر هیبت مردانه است از لحاظ اندام در تشخیص ورزشکاران و پهلوانان از روی زاچه شخص می-توان بررسی نمود. علامت آن نشانگر جنسیت مردانه است.

فیزیولوژی بدن : شخصیتی پرنرژی و پرشور، صورتی گرد، سر نسبت به بدن کوچک، ملاحظ سر سنگین و بزرگ، پیشانی کوتاه، چشمهای تیز و نافذ، گوشهای نزدیک به سر، قفسه سینه قوی، شانه‌ها پهن، کوتاهی دست و پا، سرخ رنگ، صدای آمرانه و بلند و پر قدرت.

ماه : (قمر)

مری چهارمین خانه از منطقه البروج یعنی تیر یا سرطان است. بر سینه و شکم، عواطف و به طور کلی بر وظایف اعضا بدن دلالت دارد. بعنوان حاکم چشم چپ در مردان و چشم راست در زنان است. نور نقره‌فام و سرد مهتاب بر زنجیر مولکولهای وراثتی (R.N.A) تاثیر گذار است و بر حافظه موثر می‌باشد. منجمین بر اثر تجربه، بر این عقیده‌اند که افرادی که در ماه تیر یا سرطان، برج مربوط به ماه و در موقعی که ماه شدیداً بر منطقه جغرافیایی آنها تاثیر دارد متولد شوند از نظر هوشی و حافظه استثنایی می‌شوند. پس در نتیجه نامتعادل بودن و عدم توازن عاطفی و فکری یا هر گونه اغتشاش مغزی متأثر از ماه است. آسم، زخم معده و اثی عشر بیماری‌های دستگاه گوارش آبسه و تومور (تورم یا رشد بیش از حد بافت‌های بدن) و ناهنجاری در مایعات مخاطی در بدن از جمله تاثیرات ماه است. ناراحتی‌های روانی، قلب، خون، روده، روماتیسم، نقرس، نژایی نیز از جمله بیماریهایی است که احتمال سرایت به آنها را دارد.

در اسطوره‌شناسی بابلی‌ها، خدای ماه سین نام داشت و جزء مهمترین خدایان سه گانه آسمانها بود. دو خدای دیگر شاما برای خورشید و ایشتار برای زهره فرزندان سین بودند. آنها ماه را مذکر می‌دانستند و با چهره مردی کهنسال با ریشی دراز مجسم می‌نمودند. گردش پیایی ماه که موجب موقعیتهای مختلف آن می‌شد چنین تصویری را ایجاد می‌کرد که او را خدایی می‌دانستند که هیچکس نمی‌تواند به قلبش نفوذ کند. در اسطوره‌های یونان ماه (سلین یا سلنه) خواهر خدای خورشید (هلیوس) می‌دانستند. او پس از اینکه برادرش سفر خود را به دور آسمانها به پایان رساند مسافرت خویش را آغاز کرد.

و در داستانی ماه عاشق انسانی شده و شبی در خواب او را بوسید. زئوس آن شخص را در خواب جاودانه برد و هر شب سلین به سراغ او می‌رفت و در احکام نجوم تأثیرات ماه را از جنبه خواب و رویا بررسی می‌کنند. در مورد تأثیرات ماه چنین گفته‌اند که وقتی با نظر سعد در زایچه فرد باشد شخص دارای رفتاری متین متمایل به ابداع و اختراع و با خلاقیت و مشتاق علوم و مبتکر، محقق و نویسنده شاهکارهای ادبی، مستعد تغییر مکان و دگرگونی در عادات و رفتار بی ثبات، این‌الوقت (فقط در زمان حال زندگی می‌کند) ترسو و ولخرج عاشق صلح و آزادی است.

اما با نظر نحس در زایچه: فرد تن پرور، ولگرد، احمق، نادان، متفرد از کار، دایم‌الخمر، ساده لوح، بدون آینده نگری، گدامنش و بی دقت در تمام مراحل زندگی است.

ویژگی‌های ماه نقطه مقابل خورشید است. خورشید، فعال، مذکر، مردانه، مقدم و سبقتجو است و ماه انفعالی، مؤنث، زنانه، غیر فعال. رمز ماه پاسخ گویی به محیط، احساس پذیری و عاطفه است.

درونگرایی، عشق به عرفان، تخیلات، ایده‌آل گرایی، رویا، انزوا اصلی ترین خصایص اوست. دوستدار چیزهای زیبا، دمدمی مزاج، متغیر، عاشق تغییر و تحولات و مسافرت، ذهنی، سرد و بیروح، خودخواه، خیالپرداز، خرافه پرداز، تنبل و سست و افسرده و عصبی است.

خصوصیات فیزیولوژیکی: چاق، صورت بیضی شکل، چشمانی گرد، گردنی کلفت و چاق، رنگ پریده، قد بلند، ضعف فیزیکی، دست و پاها گوشت آلود، گوشت نرم، شکم بزرگ و برآمده موها نرم و ابریشمین.

خورشید : (شمس)

البته ماه و خورشید جزء سیارات نیستند اما به علت اهمیت تأثیرات بر سیستم منظومه در احکام نجوم از جایگاه ویژه برخوردارند.

در بابل خدای خورشید شاما هر روز با ارابه جادویی زرین خود از شرق آسمان به غرب آن سفر می‌کرد و به دلیل راندن تاریکی شب و تبدیل آن به روز و غلبه بر زمستان و آوردن بهار و تابستان با صفات شجاعت و نیرومندی شناخته می‌شد و رب النوع عدالت محسوب می‌گردید.

هلیوس همتای یونانی او نیز همین صفات را دارا بود و با ارابه پرنده خود گناهکاران را شناسایی می‌کرد. هنگامی که با نظر سعد بر زایچه هر فرد باشد شخص محتاط و در قضاوت و عدالت بی همتا، از نظر صنعت،

خلاقیت و ابتکار با عظمت و ابهت فراوان. منبع برکت و فراوانی در تولید ثروت سرشار از راههای صحیح. شناختش نافذ و مختصر و مفید، با اعتماد به نفس بسیار و مهربان، پر طاقت، رازدار، قابل اعتماد، با تأمل و سنجیده‌گویی و با وجود استواری انعطاف‌پذیر و دارای رفتار بسیار انسانی. خواهان زندگی پر تجمل و پر زرق و برق و بیزار از افکار پست.

اما با نظر منحوس در زایچه : غرور و خود خواهی، اهانت به دیگران، بی اصالتی، ضعف در قضاوت و دریافت حقیقت، تن پرور، مشکل ساز، دارای تون مزاج (دمدمی)، ولخرج، نداشتن عفت کلام و هوشیاری در اعمال و کردار، بدون عقل معاش، ائتلاف کننده پول و میراث، سریار دیگران، همه را بنده خود می‌خواهد. خورشید بیاتنگر مهمترین و قویترین نیروی رفتاری در زایچه هر فرد محسوب می‌شود.

مریخی خانه پنج منطقه البروج یعنی مرداد یا اسد است. سمبل ساختمان اصلی و انرژی زای حیاتی بدن یعنی قلب می‌باشد. و بر روی زایچه آسمانی سمبل نیروی زندگی و انرژی حیاتی (پرانا) است. انرژی بخش همه کواکب منظومه خود و بر تمام خواص موروثی جهان حاکم است یعنی بر (D.N.A) ماده اصلی زندگی .

در طب بیومغناطیس تاثیر بسزا دارد که می‌تواند عامل نوعی پادزهر یا نوعی مقاومت در برابر بیماری‌ها باشد. نظرات ناسازگار خورشید با دیگر کواکب بر روی زایچه فرد، بیماریهای مزمن و خطرناک نشان می‌دهد.

زیاده روی در خوردن و نوشیدن یا خستگی مفرط و هر شکل از اسراف و عیاشی. علاوه بر قلب، ناظم ستون فقرات، چشم راست در مردان و چشم چپ در زنان، سرخرگها و طحال می‌باشد. افراط تاثیر انرژی خورشید بر زایچه هر فرد می‌تواند باعث بیماری‌های کشنده و تبه‌های خطرناک باشد. فرد متولد طالع شمس، شوخ طبع،

خوش اخلاق، سرزنده، پرهیجان، بسیار جذاب و دوست داشتنی، با تناسب اندام، رنگ صورت ملایم، گونه‌های گلگون، قد متوسط، چشم بادامی، مژگان بلند، بینی صاف، سینه پهن، سریع الانتقال، با ثبات قدم است.

بیماریها: ناراحتی دستگاه قلب، مشکلات چشم، ضعف جسمانی تب و گرم‌زادگی

مشتری : برجیس، اورمزد، هورا مزد، هرمزد، ژوپیتر

یک سال مشتری = دوره گردش سالیانه به دور خورشید: ۱۱ سال و ۸۶ روز طول می‌کشد.

حجم = ۱۳۱۹ برابر حجم زمین و برابر مجموع حجم همه سیارات دیگر منظومه شمسی است به عبارت دیگر

در حجمی که اشغال نموده همه سیارات دیگر منظومه شمسی را می‌تواند جای دهد.

جرم = ۳۲۰ برابر زمین سنگینی دارد. پر نور و زرد رنگ ولی با چشم مسلح گاه نارنجی و سرخ دیده می‌شود. دما ۱۴۵ - درجه سانتیگراد. تقریباً ۶ ماه از سال در شب به صورت سیاره‌ای درخشان در پهنه آسمان حضور دارد.

میدان مغناطیسی: بسیار شدید. ۴۰۰ میلیون برابر شدت میدان مغناطیسی زمین که با محور دوران آن زاویه ۱۰ درجه می‌سازد.

دارای چشمه گرمایی داخلی است. یعنی ۲/۵ برابر انرژی‌ای که از خورشید دریافت می‌کند را گسیل می‌دارد و این وضعیت زمانی می‌تواند انجام گیرد که دارای چشمه گرمای داخلی درون سیاره باشد. ۱۵ قمر دارد که بر گرد آن می‌چرخند. در جو مشتری جرقه‌های آتشفشان ثبت شده است.

مریخی آتار (قوس) و در سطح پایین تر بر اسفند (حوت). غول منظومه شمسی و سمبل فراوانی است. به تنهایی از مجموع همه سیارات منظومه شمسی بزرگتر است. از دیر باز بعنوان کوكب شانس و اقبال شناخته شده با توجه به مقدار انرژی دریافتی از خورشید، دو و نیم برابر بیشتر باز تاب دارد. بر کبد و سلولهای تغذیه کننده و در نتیجه بر ساختار تجدید حیات سلولها و خون دلالت دارد. تأثیر این کوكب در زایچه افراد اشکال در کنترل وزن است و تأثیر کامل بر طالع خوش گذرانی و خوش شانس در بر دارد. توسعه طلب و اجتماعی. بیماریها: فشار خون و دیابت، افزایش و تجمع خون در اندام ها، ناراحتی کبدی، نقرس، ازدیاد کلسترول خون، گلو درد، دیفتری، سینه پهلو، سل ریوی، سکتة ناقص.

این کوكب ناظم خیر اندیشی و حکمت است. در بابل این سیاره را با نام مردوک و از خدایان می‌پنداشتند که مردوک پدر خود، یا آرا به سمت رییس خدایان منسوب داشت. همتای یونانی او زئوس است که پادشاه خدایان و دارای حکمت و مهربانی بود. در روم نهبان امپراطوری رومیان و سمبل برقراری عدالت و خوبی و صداقت بود.

اگر مشتری همراه با دیگر کواکب با نظر سعد در زایچه فرد باشد، شخص بلند نظر، وفادار، محبوب، آرزومند در رسیدن به تعالی، دارای قلبی آکنده از محبت، متمایل به سود و یاری رساندن به ابناء بشری، انجام دهنده کارهای برجسته، با صداقت، مذهبی، دارای بیان شیرین، نفوذ پذیر است. دست و دل باز، مهربان به همسر و فرزندان، عالی منصب، دستگیر فقرا و نیازمندان، نیکوکار در راه خدا، میانه رو، متفرغ از انواع خست و سلخته گری، قاضی بر حق، حکیم، محتاط، شکور، پرهیزکار، نجیب، شجاع، خوش شانس است.

و اگر با نظر نامطلوب با دیگر کواکب بر زایچه شخص بنشینند فرد ائتلاف کننده پول و ثروت، در تحت فریب و نیرنگ دیگران، مذهبی نمای ریاکار، سربار دیگران، متعصب در مورد مسائل مختلف، اسیر خرافات مذهبی ندان، بی دقت، بی معرفت در حق دوستان، بی تربیت، کند ذهن، منافق، دارای عقده حقارت، مملوق و چاپلوس، مستبد، قسی القلب، خودرای، بی قید، همراه با تظاهر بیش از حد است.

مهمترین خصوصیات این کواکب شادی و خوشحالی، حکمت و خرد و هوش در سطحی عمیق تر و پیشرفته تر از عطارد، بلند پروازی، قدرت رهبری مذهبی، غرور و سربلندی، علاقه به طبیعت، سخاوت می باشد. ظهور يك فقیه روحانی از تاثیرات مناسب این کواکب است. خلاقیات قوی، عشق خالص، قساوت همراه با شفقت، دارای خصلت جاه طلبی جهت بالاترین پیشرفت و ترقی با تلاشی خستگی ناپذیر با قدی متوسط، خوش اندام، اشراف منش، پیشاتی بلند و همیشه خیس عرق، دست و پاهای کوتاه و خوش ترکیب، چشمانی درخشان و بزرگ، نگاهی خیره، پوست صاف و نرم، بینی برجسته، علاقه زیاد به ورزش و فعالیت های بیرون از منزل، خودنما، خودپرست است.

زحل : (کیوان یا ساتورن)

يك سال زحل = ۲۹ / ۵ سال زمین. تقریباً ۳۰ سال طول می کشد تا زحل تا يك بار به دور خورشید بچرخد.

حجم : ۷۳۵ برابر حجم زمین

جرم : ۹۵ برابر زمین

دارای نوارهای ابر یا ۴ حلقه بزرگ یا کمربند مسطح و شکاف دار سبکتر از آب است و می تواند روی آب شناور بماند.

دارای سطح کدر. رنگ زرد تیره با نور پایدار و با سرعتی کندتر از مشتری. دارای ۱۷ قمر است.

سلطان دی (جدی) و بهمن (دلو) با شراکت اورانوس. برخلاف مشتری که بخشنده و دارای برکات است تاثیر

آن در انقباض و گرفتن است. دارای حوزه منفی الکترومغناطیسی با شدت بسیار. هر چه مشتری قول بدهد زحل

انتکار می کند. زحل در هنگام رجعت باعث ایجاد يك میدان از انرژی های سرد و نامنظم بر روی بدن می شود. و

باعث انسداد و گرفتگی درونی جسم تنبلی و بی حالی ضعف فشار خون است. بیماری های روماتیسمی بیوست

مزاج تاثیرات منقبض کننده فکری و فیزیولوژیکی بیماریهای افسردگی ترس و اضطرابهای عمیق و مالیخولیا،

از نظرات منحوس و تمام رفتارهای منفی، واریس، درد زانو، ستون فقرات و مفاصل. اولین الهه‌ای که با زحل از طرف بابلیان شناخته شد نینیب یا نی نورتا خدای جنگ و ستیز بود و از همه خدایان در تخریب و شرارت و دشمنی قوی‌تر و به دلیل خلق و خوی جنگ‌طلبانه چندان محبوب نبود.

همه‌ای آن در یونان کروئوس بود. کروئوس پدرش را اخته کرده و فرزندان را بلعیده تا برای فرمائروا پیش متعاضی نباشد. در روم ساتورن حاکم کشاورزی و درختان میوه‌دار اما کیفیت شیطانی این سیاره همواره مد نظر قرار داشت.

بطلمیوس در باره زحل می‌گوید: هنگامی که دنیا در محور خود در آسمان غرق شده و در نیمه شب گم می‌شود در بالای آن، آسمان دیگر مشاهده می‌شود و این ناحیه‌ای است که زحل به تمرینات پرمقاومت خود می‌پردازد. همه منجمین به اتفاق از نحوست زحل صراحتاً و موکداً سخن گفته‌اند. از قدیم‌الایام او را امپراطور آسمان و جایگاه خدایان معرفی کرده‌اند.

یونانیان آن را با نام دیمنیوم که مظهر قدرت و سلطه بر پهنه آسمان است یاد می‌کردند. چنانچه در هنگام تولد با نظر سعد در زایچه فرد باشد او فردی دقیق، متفقد، زحمت کش، سخنران، حاذق، محتاط، صبور، موقر، ساعی و جدی در بدست آوردن زندگی عالی، یکرنگ و صریح، زود خشم و عصبانی، یک دنده و انعطاف ناپذیر. شجاع و پایدار و کوشا در حفظ و رعایت مقررات است. علاقمند به مطالعه و تحقیق، مذهبی، ثابت قدم، با عزمی راسخ، عاشق موسیقی، احساساتی و پای بند نجابت و پاک‌ی و ادب و نظم.

و اگر در هنگام تولد در زایچه فردی با نظر منحوس قرار گیرد تأثیرات آن در حالت منفی، فرد ذاتاً پست و هرزه، حسود و بد چشم، طماع، غیرقابل اعتماد، نامرد، ترسو، خطاکار، کله شق، متهم، بدخواه، ناراضی از خودش و از همه چیز می‌کند. خوش‌مشراب نبودن، خودداری از بروز و بیان احساسات و سردی عواطف نیز از رفتارهای منفی این گروه خواهد بود.

شمگین، افسرده ولی فرزانه، فاقد قدرت تحلیل، شکاک.

فیزیولوژی بدن: بلند قد، سودایی مزاج، رنگ پریده، گونه زرد، موی سیاه و ضخیم و زبر، پوست زبر و خشک، صورت دراز با گونه‌های استخوانی، ابروانی پرپشت، چشمانی سیاه و عمیق، گوشها از سر دور و بزرگ، بینی لاغر و نوک تیز، دهانی گشاد و لبهایی لاغر، محتاط، عاقل، متین و بد بین. رنگ منسوب به زحل سیاه است.

اورانوس : تجسم آسمان

دوره گردش یا تناوب به دور خورشید : ۸۴ سال زمینی

دوره تناوب حرکت به دور محور خود = تقریباً ۱۱ ساعت

دما = -۲۱۲ درجه

حجم = ۶۷ برابر حجم زمین

جرم ۱۴/۶ برابر جرم زمین

سبکتر از زمین

به صورت قرص سبز رنگ

جهت حرکت آن به دور خورشید عادی است (بر خلاف حرکت عقربه‌های ساعت) ولی دوران به دور محورش

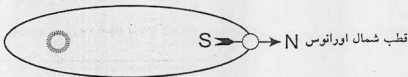
معکوس است یعنی در جهت عقربه‌های ساعت به دور خود می‌چرخد و کمربند استوایی آن عمود بر مدارش

می‌باشد.

زاویه میل = ۹۸ درجه است.

اورانوس (تصویر زیر) ۱۵ قمر دارد که آنها هم حرکت رجعی دارند مانند خود سیاره و هم در جهت حرکت

عقربه‌های ساعت می‌چرخند.



کیفیت‌های ناگهانی در جنبش‌ها و تغییرات اجباری را به این سیاره نسبت داده‌اند. از هم گسیختن امور یا چیزها

از بعد مثبت آن و اکتشافات علمی را به این سیاره نسبت داده‌اند. و علامت آن را شبیه آنتن تلویزیون انتخاب

نموده اند چه اختراع تلویزیون را از تاثیرات این کوکب می‌دانند. کلید فهم و تغییر رنج‌ها، بلا تکلیفی، خامی،

بی تجربگی و شتاب زدگی. تمایل به اختراع و ابداع بخصوص دستگاه‌هایی که با انواع امواج و اشعه سر و

کار دارد از نظر سعد این سیاره بر زایچه افراد است. اورانوس کوکب مریی ماه بهمن با همکاری زحل است.

نیپتون :

مدت حرکت انتقالی به دور خورشید = $164/8$ سال زمینی

دوره حرکت به دور مدار خود = تقریباً ۱۶ ساعت

دما = 213 - درجه سانتیگراد

حجم ۵۷ برابر زمین

جرم $17/2$ برابر جرم زمین

سبکتر از زمین

زاویه میل $28/5$ درجه

قرص کوچک سبز رنگ و از نظر ویژگی بسیار شبیه اورانوس است و بعنوان دوقلو یا همزاد اورانوس مطرح می‌شود. دارای جوی غلیظ.

دارای ۸ قمر است.

منجمین نیپتون را يك نیروی گریزان و بفرنج می‌دانند. هر چیز که به طور مخفی و ماورای احساسات معمولی باشد تحت نفوذ این سیاره است. مسائل روحی - معنوی و انرژی‌های غیر مادی. سیاره نیپتون مولد احساسات عمیق جسمی و عاطفی است و نه تنها بر افراد موسیقیدان و آهنگساز تاثیر ژرفی دارد بلکه بر افراد مادیوم نیز چنین است. و مریخی ماه اسفند با همکاری مشتری است.

پلوتون : نهمین و دورترین سیاره.

به صورت نقطه نورانی زرد رنگ

دوره تناوب حرکت انتقالی به دور خورشید = $248/5$ سال زمینی

دوره حرکت به دور مدار خود = $6/3$ روز

دما = 240 - درجه سانتیگراد

حجم = تقریباً $0/1$ زمین

جرم = $0/02$ جرم زمین

زاویه میل = 17 درجه احتمالاً قبلاً قمر نیپتون بوده است. بزرگترین مدار و کوچکترین صفحه مدار را داراست.

دارای يك قمر است.

این سیاره مدت کوتاهی است که وارد علم احکام نجومی شده است. اما همه منجمین متفق القول هستند که پلوتون باعث تجدید حیات گذشته، رهایی نیروهای نهفته و فوران ناگهانی انرژیهای سرکوب شده و یا مخفی است. از زمان کشف این کوکب بسیار چیزها به فوران و انفجار رسیده است که قبلاً در ابهام یا محدودیت واپس زدگی بود. تکنیک بمب اتم را از این سیاره می‌دانند. پلوتون مریخی ماه آبان در سطح بالاست و افراد فوق-العاده متولد آبانماه از قدرت پلوتون بهره می‌جویند.

فصل چهارم

تقویم یا گاهشمار شمسی :

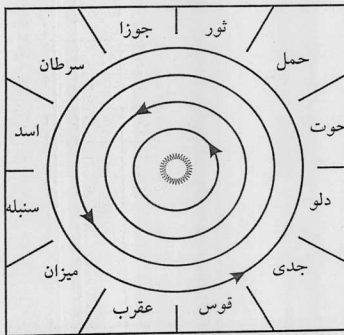
قبل از ظهور اسلام کعبه بتکده بوده است و محل نگهداری بتها، و بت پرستان با پرستش مجسمه‌ها و تمثالهایی از سنگ و خاک و ... در شرک و گمراهی غوطه ور بودند. در کتب قدیمی از مکه با عنوان مهکده یاد کرده‌اند به این علت که جایگاه بت ماه بوده و ماه پرستان (صائبین) قدرت ماورایی برای این کره خاکی کوچک قایل بودند تا حدی که بتی از ماه ساخته و پرداخته کرده و آن را عبادت می‌کردند. در قرآن کریم، در داستان ابراهیم (ع) به این مطلب اشاره شده که ابتدا ابراهیم فکر کرد که ماه یا خورشید و یا ستارگان پروردگار اویند اما با افول آنها فهمید که آنها مخلوقات خداوند هستند و خداوند بی‌همتاست و شریکی ندارد. تا روزی که با تبر به جان بتها افتاد و پرچم توحید را بر صدر مکاتب تاریخ بر افراشت.

از نظر جغرافیایی و هم از نظرگاه تاریخی ما مردمانی هستیم که در ایران زمین تولد یافته‌ایم. علاوه بر تقویم قمری که دایما با منازل ماه تغییر می‌کند و ماه قمری و سال قمری را با محاسبات دقیق بر اساس حرکت ماه بررسی می‌نمایند (در فصل‌های آینده شرح داده خواهد شد)، از دیر باز در ایران، منازل خورشید، محور محاسبات قرار گرفته و مسایل اجتماعی روزمره بر مبنای نور و روشنایی روز و خورشید (که نماد و مظهر آتش و پاکی و خیر است) بررسی و مورد استفاده قرار گرفته است و مبنای آغاز هر دو تقویم، هجرت پیامبر عظیم‌الشان اسلام از مکه به مدینه بوده است. تقویم یا گاهشمار ایرانی (شمسی) در میان تمام تقویمهای جهان در طول تاریخ تنها تقویمی است که سال آن همواره با آغاز بهار شروع می‌شود. تقویمی که امروزه از آن استفاده می‌کنیم در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی در دوره پنجم مجلس شورای ملی به عنوان تقویم رسمی کشور پذیرفته شد. و نام ماه‌های آن ریشه اوستایی دارد. دی یکی از القاب اهورامزدا و نام ۱۱ ماه دیگر اسامی فرشتگان و یاوران و دستیاران اهورامزدا است. یک دوره گردش زمین به دور خورشید = ۳۶۵ روز و ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه و ۴۹ ثانیه گاهشمار خورشیدی ایرانیان بوده است. هر سال برابر ۱۲ ماه است. (باید توجه داشته باشید که در فرهنگ عامیانه کلمات ماه و برج گاهی به جای یکدیگر استفاده می‌شود یا مثلاً تربیع هم در زاویه بین دو کوکب مطرح می‌شود و هم در اهله ماه و یکی از حالات قمر در هفته اول و سوم است. این استفاده‌های نابجا و غلط در بین مردم چنان پا گرفته است که تغییر یا تصحیح آن مشکل می‌باشد.

ماه‌های ایرانی	به زبان عربی	معنای فارسی	ایران باستان	معنای ماه‌های ایرانی	کوکب حاکم یا مربی
۱ - فروردین	حمل	بره	فَرَوَهَر	نیروی پیش برنده	مریخ
۲ - اردیبهشت	ثور	گاو نر	آشا و هیشته	بهترین راستی و درستی	زهره
۳ - خرداد	جوزا	دو پیکر	آخرداد	کمال و رسایی	عطارد
۴ - تیر	سرطان	خرچنگ	تیشتر	باران	ماه (قمر)
۵ - مرداد	اسد	شیر	امراتات	جاودانگی و بی‌مرگی	خورشید (شمس)
۶ - شهریور	سنبله	خوشه	خشتیور	شهر آرزو شده	عطارد
۷ - مهر	میزان	ترازو	مهر	عهد و پیمان	زهره
۸ - آبان	عقرب	کژدم	آبان	آب - نگهدار آب	مریخ و پلوتو
۹ - آذر	قوس	کمان	آذر	آتش	مشتری
۱۰ - دی	جدی	بزغاله	دی	آفریدگار - دادار	زحل
۱۱ - بهمن	دلو	سطل آب	وَهُومِیَه	بهترین اندیشه و منش نیک	زحل و اورانوس
۱۲ - اسفند	حوت	دو ماهی	سپندارمی تی	فروتنی مقدس	مشتری و نپتون

شکل ساده‌تری از منطقه البروج بر روی یک صفحه رسم می‌شود که جهت حرکت‌های سیارات منظومه شمسی را نشان می‌دهد. از این وسیله در علم رمل (نقطه) نیز استفاده می‌شود (شکل صفحه بعد). جفت مهره‌های رمل را روی چنین صفحه‌ای که از فلز ساخته شده، می‌ریزند و طرز قرار گرفتن مهره‌ها را روی صفحه با تأثیرات کوکب در نظر گرفته، حکم را می‌گویند.

اسطرلاب به معنای آینه نجوم، صفحه‌ای است برای اندازه‌گیری‌های نجومی ارتفاع و فواصل اجرام آسمانی که به اشکال مختلف کروی و مسطح نیز وجود دارد.



باید بدانید هر کوکب در خانه خود در اوج قوت و اقتدار است. به طور مثال شمس مرئی مرداد است و صورت فلکی مرداد، اسد است و این صورت فلکی در فروردین ماه (حمل) در آسمان حضور دارد. در حوالی ۲۰ درجه حمل، شمس در بالاترین حالت اقتدار و به اصطلاح در شرف است. با توجه به این که وقتی دایره برج‌ها به صورت عادی می‌نویسیم هر یک از برج‌ها که در نیمکره شمالی یا فوق‌الارض قرار بگیرد و طالع در آن مطرح شده باشد خانه مقابل به آن در دایره خاتمه هیبوط یا سقوط است و با طالع حالت ضدیت و مخالفت دارد، چون نقطه مقابل یکدیگرند. حمل در طالع باشد (فوق الارض) شش خانه بعد از طالع میزان است که هیبوط طالع نامیده می‌شود و نحس است. برای شخصی که در حمل متولد شده، شخصی با طالع مهر ماه، موجب افت و عدم پیشرفت است و نحس محسوب می‌گردد. و بالعکس. وبال نیز نحس است. برای یاد آوری به فصل دوم، جدول شماره ۱ همین جزوه مراجعه شود.

چنین نیست که هر روز، بدون هیچ انگیزه و هدف معنوی، از خواب برخاسته، بخوریم و بیآشامیم و فقط کار کنیم و جهان مادی و مادیات آن را مد نظر داده داشته باشیم. مراقبه بر لحظه لحظه زندگی و رفتار و بخصوص کنترل اندیشه و پالایش افکار جز با شستشو در چشمه های عشق الهی و احترام به تمام آثار خلقت و پدیده های خداوندی و ارتباط از طریق دل با نیروهای هستی امکان پذیر نخواهد بود.

هر برج شمسی برابر ۳۰ روز و هر روز نام خاصی دارد. این نامها بترتیب عبارتند از :

روز اول : هر ماه اورمزد یا اهورا مزدا که نام خداوند است.

اهورامزدا نام دادار و آفریدگار جهان و هفت امشاسپند دستیاران او یا ایزدیاران او هستند و چهار عنصر آتش و آب و باد و خاک و ایزدیاران و نگهداران آنها و دیگر مظاهر طبیعت مانند خورشید و ماه همه و همه دارای چنان جایگاه با ارزش و با اهمیتی هستند که عناصر سازنده فرهنگ و علم و دانش و پای بندی و احترام به قوانین شریعت پیامبران الهی در آن به خوبی و وضوح مشهود است.

روز دوم : وهمنه یا وهمن یا بهمن است به معنای اندیشه نیک و صادره نخستین، اولین موردی که از ذات ازلی و ابدی خداوند شرف وجود یافته است.

روز سوم : اردیبهشت یا اشناوهیشتنه به معنای بهترین راستی

روز چهارم : شهریور یا خشتریور است به معنای سلطنت بر شهر آرزو شده

روز پنجم : سپندارمذ که به معنای فروتنی مقدس است.

روز ششم : خورداد است (صحیح آن آخرداد به معنای تندرستی و رسایی است. باید توجه داشت در زبان پارسی اصیل اگر الف اول آخرداد حذف شود معنای آن کاملا برعکس می شود و خرداد به معنای بیماری و نارسایی است).

ابوریحان بیرونی در آثار الباقیه می نویسد: روز ششم فروردین نوروز بزرگ است و نزد ایرانیان جشن بزرگ. گویند خداوند در این روز مشتری بیافرید و فرخنده ترین ساعت های آنروز ساعت مشتری است. و زرتشت در این روز توفیق یافت با خداوند مناجات کند و کیخسرو در این روز بر آسمان عروج کرد و در این روز برای ساکنان کره زمین سعادت را قسمت می کنند و این روز را روز امید نام نهاده اند.

روز هفتم : مرداد روز. متأسفانه در لفظ عامیانه به غلط استفاده می شود. مرداد یا امرتات به معنای بی مرگی و جاودانگی که با حذف الف از اول امرداد معنای آن کاملاً بر عکس شده و مرگ و نیستی معنا می دهد.

روز هشتم: دی به آذر

روز نهم: آذر به معنای آتش

روز دهم: آبان

روز یازدهم: خور یا خیر یا خورشید

روز دوازدهم: ماه

روز سیزدهم: به نام تیر است. تیر یا تیشتر ستاره‌ای نورانی است و نامهای دیگر آن سیریوس یا ستاره باران یا شعرای یمانی است. تیر به معنای فرمانده ستارگان آسمان شمال می‌باشد.

روز چهاردهم: گئوش یا گاو. روزی که گاو مرد یا کیومرث گاوی را که مظهر خاصی بود را کشت و جهان و موجودات از ریختن خون آن خلق شده‌اند.

روز پانزدهم: دی به مهر دی همان دادار و آفریدگار است و مهر، قاتون و عهد و پیمان و یا همان شریعت الهی است.

روز شانزدهم: میهر. سمبل محبت و عدالت

روز هفدهم: سروش. به معنای اطاعت و فرمانبرداری است و نام یکی از فرشتگان مقرب اهورا است که پیام او را به بندگان می‌رساند که همان نام حضرت جبرائیل است که نادی وحی و الهام است.

روز هجدهم: رشتن = فرمانبرداری

روز نوزدهم: فروردین روز یا فروهر به معنای نیروی پیش برنده

روز بیستم: وزْغرام یا بهرام یا مریخ (قدرت متولدین آبان و فروردین)

روز بیست و یکم: رام (قدرت متولدین آذر)

روز بیست و دوم: باد (یکی از چهار عنصر طبیعت)

روز بیست و سوم: دی به دین

روز بیست و چهارم: دین

روز بیست و پنجم: آرد به معنای برکت و توانگری

روز بیست و ششم: اشناد به معنای راستی

روز بیست و هفتم: آسمان

روز بیست و هشتم: زامیاد یا زمین

روز بیست و نهم: ماتراسپند (سرود مقدس)

روز سیام: آنارم یا فروغ بی پایان

به این ترتیب هر روز از روزهای زندگی نامی خاص دارد و عددی به آن مربوط است و هر نام آیین خاص خود را دارد.

طریقه نامگذاری همه روزهای سال شمسی:

می‌دانید در شش ماه اول سال، هر برج ۳۱ روز دارد.

در ماه فروردین این سی روز به همان ترتیبی که ذکر گردید نامگذاری می‌شود.

اما از روز ۳۱ فروردین، اردیبهشت ماه آغاز می‌شود یعنی روز اورمزد در اردیبهشت یک روز جلو افتاده است و به همین طریق ادامه یافته تا ۲۹ اردیبهشت این نامگذاری ادامه می‌یابد.

روز ۳۰ اردیبهشت اورمزد آخرداد نام می‌گیرد و باز هم به همین ترتیب روزها نامگذاری شده تا ۲۸ روز از خرداد خاتمه می‌یابد.

۲۹ خرداد که اول تیر است و اورمزد تیر ماه روز ۲۹ خرداد است.

در نتیجه با این تفصیل اورمزد امرداد یا شروع ماه مرداد در ۲۸ تیر ماه می‌باشد.

و در روز ۲۷ مرداد روز اورمزد شهریور است.

و در نتیجه ۲۶ شهریور اولین روز مهر محسوب می‌گردد.

شش روزی که در ۶ ماه اول سال اضافه است این تغییرات را ایجاد می‌نماید.

از ۲۶ شهریور به بعد چون همه ماهها ۳۰ روزه هستند دیگر تغییر نمی‌کنند و ۲۶ مهر ماه = اورمزد آبان

است و ۲۶ آبان = اورمزد آذر است و ۲۶ آذر = اورمزد دی ماه است و ۲۶ دی = اورمزد بهمن است و ۲۵

بهمن = اورمزد اسفند ماه است و از ۲۵ اسفند تا ۲۹ یا در صورت کبیسه بودن سال ۳۰ اسفند، پنج روز

اضافه از سال است که به نام پنجه بزرگ یا پنجه وه نامگذاری شده و مراسم و آیین‌های خاص برای یادبود

ارواح در گذشتگان و نذورات و خیرات و آمادگی برای مراسم نوروزی انجام می‌پذیرد.

در هر ماه شمسی يك روز وجود دارد که با نام همان ماه یکسان است.

برای مثال در ماه فروردین، روزی به نام فروردین وجود دارد که نوزدهمین روز از شروع سال است.

با وجودی که سیاره حاکم بر فروردین مریخ می‌باشد اما روز نوزدهم فروردین به روز شرف شمس شهرت یافته و یکی از سعادتین روزهای سال محسوب می‌گردد. در این روز زمین در ۱۹ درجه از اولین برج منطقه البروج قرار می‌گیرد.

اعتقاد منجمین بر این است که در این روز بخصوص که خورشید در بهترین منزل از منازل منطقه البروج است بسیار خوش اقبالی و موفقیت و پیروزی به ارمغان می‌آورد. از دیدگاه آیین زرتشت در این روز جشن فروردینگان برگزار می‌شود. که مربوط به فروهر پاکان و درگذشتگان است و به معنی نیرویی است که از عالم بالا برای راهنمایی و پاسبانی ارواح در وجود هر ذی روحی خلق شده و نیروی فروهر جزء لاینفک روان است.

دومین جشن در روز اردیبهشت در ماه اردیبهشت برگزار می‌شود. اردیبهشت از امشاسپندان است و نماینده پاکی و راستی و درستی است و همچنین نگرهبانی تمام اقسام آتش در جهان با اوست. (ارتباط آتش با پاکی و پاک سرشتی از این جا نشأت می‌گیرد و آتش را پاک کننده یا پاکی دهنده می‌دانند)

سومین جشن، جشن خوردادگان است که این جشن به فرشته‌ای به نام هه اروه تاته = خورداد تعلق دارد که در عالم مادی پاسبانی آب چشمه‌ها و نهرها و رودها و دریاها به این فرشته سپرده شده است. این جشن را به روز پرتاب تیر آرش کمانگیر و تعیین مرز سرزمین ایران از توران نیز نسبت داده‌اند.

چهارمین جشن، جشن تیرگان است که در تیر روز از ماه تیر برگزار می‌شده است. آب تنی و آب پاشیدن به یکدیگر از جمله کارهای این روز بود. در یکی دیگر از مراسم این روز تازکی از ابریشم هفت رنگ و سیم ظریف و تازکی بهم تابیده که به نام تیر و باد معروف بود در بامداد این روز به مچ دست می‌بستند و تا روز باد یعنی ده روز بعد از دست باز کرده و به باد می‌دادند.

پنجمین جشن امردادگان است در روز امرتات در ماه امرداد و برای فرشته بیمرگی و جاودانگی که در عالم جسمانی نگرهبانی نباتات و رویدنیها با اوست در دامن طبیعت برگزار می‌گردید.

ششمین جشن شهریورگان، در روز شهریور در ماه شهریور (مصادف با ۲۹ مرداد) است. خستره ویریه یا خستریور امشاسپندی که در عالم روحانی مظهر اقتدار و نیرو است و در عالم مادی نگهبان فلزات است. هفتمین، جشن مهرگان یا مهرجان هنوز هم در روز مهر از ماه مهر برگزار می‌شود (مصادف با دهم مهر کنونی) که سپری شدن تابستان سوزان و آمدن هوای معتدل پاییز را گرامی داشته و از روز مهر تا روز رام به مدت شش روز که روز اول را مهر عامه و روز آخر را مهر خاصه می‌نامیدند. فرشته مهر یا میترا به معنی نور خورشید و مهر و محبت و عهد و پیمان و روز پیروزی فریدون برضحاک ماردوش بود.

از ابوریحان بیرونی در کتاب آثارالباقیه چنین نقل شده: پادشاهان در این روز تاجی به شکل خورشید که در آن دایره‌ای مانند چرخ نصب شده بر سر می‌گذاشتند و بر این اعتقاد که چون فرشتگان در چنین روزی برای یاری فریدون از آسمان به زمین پایین آمدند، فردی را می‌گماشتند تا بامدادان به سوی آسمان ندا در دهد که ای فرشتگان به سوی دنیا بشتابید و جهان را از گزند اهریمنان برهاتید. و آغاز و انجام آن در عظمت و شرافت برابر است پس هر دو روز عید است.

هشتمین جشن، آباتگان است در روز آبان از ماه آبان (مصادف با چهارم آبان کنونی) است. که در ارتباط با آن‌ها ارد و یسور ایزد پاتوی ایران زمین است که یاری دهنده پاکان و نگهبان کیان‌سرای ایران است. نهمین جشن آذرگان در روز آذر از ماه آذر برای ادای احترام به آتش مظهر پاکی به نیایش می‌پرداختند. دهمین جشن دیگان دی = دتوشو واژه‌ای که به جای اهورامزدا به کار رفته و روز هشتم و پانزدهم و بیست و سوم هر ماه به نام دی نامگذاری شده و برای تشخیص آنها از هم دی به آذر و دی به مهر و دی به دین نام گرفته‌اند. پس در مجموع با روز اورمزد چهار جشن دیگان در ماه دی وجود دارد.

از ابوریحان بیرونی در آثارالباقیه : نخستین روز دی ماه خرم روز است و هم ماه و هم روز به نام خداوند که هرمزد نام دارد یعنی پادشاه حکیم و صاحب رای. در این روز پادشاهان بدون هیچگونه ممنوعیتی در بیابانها با بزرگان بر سر یک سفره نشسته و برای دوام و پایداری نظام مملکت و اعلام برادری با مردم زیر دست مجالست می‌نمودند.

یازدهمین جشن بهمنگان فرشته و همن از مقربان درگاه اهورامزدا و در عالم معنوی مظهر اندیشه نیک و دانش خداداد است. پاسبان چهارپایان سودمند در عالم جسمانی است به همین دلیل در روز بهمنجنه یا جشن بهمنگان از کشتار حیوانات و خوردن گوشت آنان خودداری می‌کنند.

در چهار روز دیگر به نامهای وهمن، ماه، گوش، رام که به روزهای نیر معروفند به این معنا که در چنین روزهایی حیوانات سودمند را ذبح نکرده و از گوشت آنها نمی‌خورند.

دوازدهمین اسفندارگان: اسفندارمزد فرشته نگهبان زمین و حامی زنان درستکار و پارسا و این روز روز عید برای زنان بوده که به آنان هدایا اعطا می‌شد.

سپندارمزد یا سپنتا آرمیتی به معنای تواضع مقدس است و فرشته سپندارمزد در عالم معنوی مظهر عشق و محبت و تواضع و فروتنی است و در عالم مادی نگهبانی زمین با اوست.

بدین ترتیب همه روزهای سال با آیین و مراسم خاص و پاسداری از حرمت و حقوق همه مظاهر خلقت سپر می‌شود.

جدول ایام هفته :

[در جزوه شماره يك علم اعداد و حروف به مطالب تحت عنوان جدول ایام هفته اشاره شده و جدولی ارایه

گردید که در اینجا برای دسترسی بهتر دوباره آورده می‌شود. (جدول شماره ۲)]

از دیگر تقسیم‌بندی در مورد زمان، هفته یا هفت روز هفته است که هر يك از روزها را با نام خاص و ارتباط با یکی از سیارات و کواکب منظومه شمسی بررسی می‌کنند.

علاوه بر مطالب درج شده در مورد ایام، در هر روز نیز ساعات، تحت تأثیرات کواکب و سیارات بوده و هر ساعت را بر مراقبه و ارتباط با یکی از کواکب منظومه شمسی در نظر می‌گیرند و با توجه به سعد و نحس بودن به انجام امور می‌پردازند.

آیا تاکنون فکر کرده‌اید چرا روزهای هفته را با نام ستارگان و سیارات ارتباط داده‌اند؟

روز شنبه را به زحل یا ساتورن یا کیوان روز یکشنبه را به شمس یا خورشید

روز دوشنبه را به قمر یا ماه روز سه شنبه را به مریخ

روز چهارشنبه را به عطارد یا تیر روز پنج شنبه را به مشتری

و روز جمعه را به زهره یا ناهید نسبت داده‌اند. جدول شماره ۲، جدول ساعات و روزهای هفته است که برای انجام همه امور از اهمیت زیادی برخوردار است.

نکات مهم در مورد نگارش این جدول:

- ۱- می‌دانید هر شبانه روز ۲۴ ساعت می‌باشد و هر روز از ساعت ۲۴ شب قبل (۱۲ نیمه شب) آغاز می‌گردد و تا ۲۴ ساعت بعد ادامه دارد. در نتیجه از ساعت ۲۴ تا ساعت یک بامداد اولین ساعت شروع روز می‌باشد که اگر از روز شنبه شروع کنیم اولین ساعت به سیاره زحل منسوب است.
 - ۲- ساعتها را به ترتیب از زحل، مشتری، مریخ، شمس، زهره، عطارد و قمر نامگذاری کرده دوباره این کار را تکرار می‌کنیم تا تمام ساعات روز خاتمه یابد.
 - ۳- ترتیب فلک‌های هفتگانه باید رعایت گردد و در خاتمه یک روز به همان ترتیب آن را به روز بعد ادامه می‌دهیم تا کل روزهای هفته.
 - مثال: در انتهای روز شنبه با یک ساعت مریخ باشد و شروع روز یکشنبه باید از شمس آغاز شود به همین دلیل روز یکشنبه به شمس مربوط است چون شروعش با ساعت شمس می‌باشد.
 - ۴- از آنجا که سعد و نحس بودن هر ساعت باید بررسی گردد (با توجه به فلک مورد نظر و شدت تأثیرات آن) کارهای خاص در ساعات و روزهای خاص انجام داده می‌شود تا اثر و ثمر آن بیشتر باشد.
- زحل، نحس اکبر مریخ، نحس اصغر مشتری و شمس، سعد اکبر زهره، سعد قمر و عطارد تابع هستند (یعنی اگر با سعد نشینند سعد هستند و اگر با نحس نشینند، نحس می‌باشند).
- ۵- زحل نحس اکبر است یعنی شدت نحسی آن به حدی می‌باشد که کارهایی از روی فتنه و شر و فساد و دشمنی در آن اثر و ثمر بیشتری دارد تا ساعات دیگر. (همچنین مریخ)
 - ۶- مشتری سعد اکبر است، شمس و زهره نیز سعد هستند و کارهایی از قبیل دوستی، ازدواج، نقل مکان، در روزها و آن ساعات انتخاب می‌گردد.

از دیگر تقویم‌هایی که بر مبنای خورشیدی انتخاب گردیده است، تقویم میلادی مسیحی است که شروع سال میلادی برابر ۱۱ دی ماه ایرانی است. نام ۱۲ ماه میلادی به ترتیب چنین است:

ماههای میلادی مسیحی:

۱ ژانویه = ۱۱ دی

۱ فوریه = ۱۲ بهمن

۱ مارس = ۱۰ اسفند در صورت کبیسه بودن سال = ۱۱ اسفند

۱ آوریل = ۱۲ فروردین

۱ مه = ۱۱ اردیبهشت

۱ ژوئن = ۱۱ خرداد

۱ ژوئیه = ۱۰ تیر

۱ اوت = ۱۰ مرداد

۱ سپتامبر = ۱۰ شهریور

۱ اکتبر = ۹ مهر

۱ نوامبر = ۱۰ آبان

۱ دسامبر = ۱۰ آذر

تقویم دیگری که بر مبنای اعتدالین بهار و پاییز مطرح شده گاهشمار یهودیان است .

نام ماههای یهودی به ترتیب چنین است :

۱ - تشرین اول = تیشری اعتدال پاییزی

۲ - تشرین دوم = هشوان

۳ - کاتون اول = کیسلو

۴ - کاتون دوم = تبت انقلاب زمستانی

۵ - شباط = شبیات

۶ - آدار الف) در سال کیبسه ۳۰ روزه و ب) ۲۹ روزه

۷ - نیسان اعتدال بهاری

۸ - ایار

۹ - حزیران = سیوان

۱۰ - تموز انقلاب تابستانی

۱۱ - آب

۱۲ - ایلول = الول

جدول روزها و ساعات هفته

روزها	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	پنج شنبه	جمعه
۲۴ تا ۱ نیمه شب	زحل	شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری	زهره
۱ تا ۲	مشتری	زهره	زحل	شمس	قمر	مریخ	عطارد
۲ تا ۳	مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل	شمس	قمر
۳ تا ۴	شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل
۴ تا ۵	زهره	زحل	شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری
۵ تا ۶	عطارد	مشتری	زهره	زحل	شمس	قمر	مریخ
۶ تا ۷	قمر	مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل	شمس
۷ تا ۸	زحل	شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری	زهره
۸ تا ۹	مشتری	زهره	زحل	شمس	قمر	مریخ	عطارد
۹ تا ۱۰	مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل	شمس	قمر
۱۰ تا ۱۱	شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل
۱۱ تا ۱۲	زهره	زحل	شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری
۱۲ تا ۱۳	عطارد	مشتری	زهره	زحل	شمس	قمر	مریخ
۱۳ تا ۱۴	قمر	مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل	شمس
۱۴ تا ۱۵	زحل	شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری	زهره
۱۵ تا ۱۶	مشتری	زهره	زحل	شمس	قمر	مریخ	عطارد
۱۶ تا ۱۷	مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل	شمس	قمر
۱۷ تا ۱۸	شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل
۱۸ تا ۱۹	زهره	زحل	شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری
۱۹ تا ۲۰	عطارد	مشتری	زهره	زحل	شمس	قمر	مریخ
۲۰ تا ۲۱	قمر	مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل	شمس
۲۱ تا ۲۲	زحل	شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری	زهره
۲۲ تا ۲۳	مشتری	زهره	زحل	شمس	قمر	مریخ	عطارد
۲۳ تا ۲۴	مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل	شمس	قمر

فصل پنجم

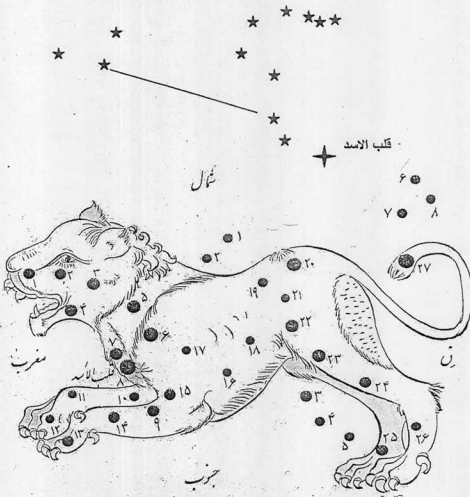
تصاویر آسمانی و رصد‌های هر برج

ابتدا رصد‌های هر ماه شمسی را بررسی نموده و در انتها در مورد تصاویر به دست آمده بیشتر بحث و گفتگو خواهیم نمود.

تصاویر قدیمی از کتاب صورالکواکب عبدالرحمان صوفی از عرفا و منجمین قرن چهارم هجری، ترجمه خواجه نصیرالدین طوسی انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، چاپ ۱۳۴۸ انتخاب گردیده است. نسخه اصلی این کتاب در کتابخانه ایاصوفیه ترکیه نگهداری می‌شود.

رصد های فروردین ماه :

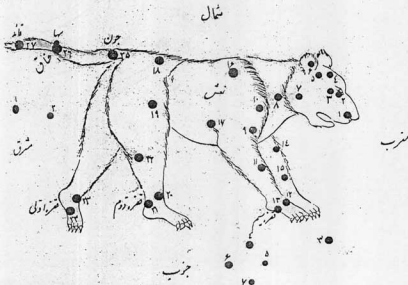
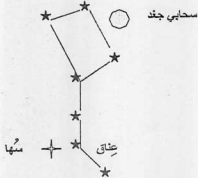
در این برج که اولین برج منطقه البروج است ، در پهنه آسمان صورت فلکی اسد (شیر) رویت میگردد و بهترین موقع مشاهده آن در هنگام مهتاب است . قلب الاسد سرخ رنگ است .



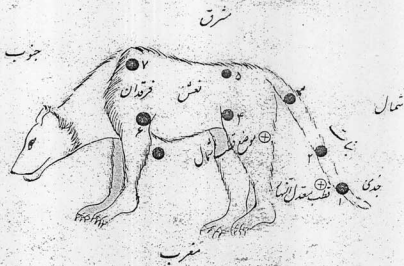
رصد های اردیبهشت :

صورت فلکی دب اکبر (خرس بزرگ) که آب گردان (ملایقه) با ستاره عناق و سحابی جند.

جَدِّي (ستاره شمال)



دَبِ اصْغَر (خرس كوچك)



ذات الكرسي

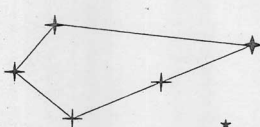


شرق

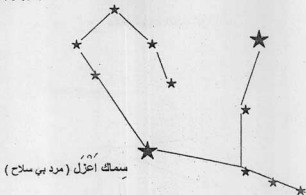


رصد های خرداد: صورت فلکی عوا (گاوران) و سنبله دارای سماک اعزل .

عوا

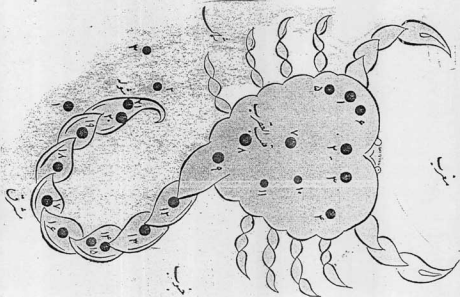


سنبله



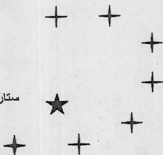
رصد های تیر ماه :

صورت فلکی عقرب. قلب العقرب و خوشه ۸۰ ام و اکتیل شمالی (تاج) با يك ستاره اسرار آمیز .



اکلیل شمالی (بادیه ، کاسه درویشان)

ستاره اسرار آمیز نجوم



شمال

مغرب

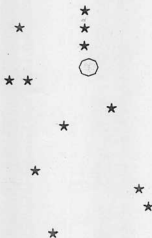
شرق



جنوب

رصد های مرداد ماه : جاشی با خوشه کروی ام ۱۳

جاشی (بر زانو نشسته ، زانو زده)



ما ساره نم صورت خود منترک است

رصد های شهریور ماه :

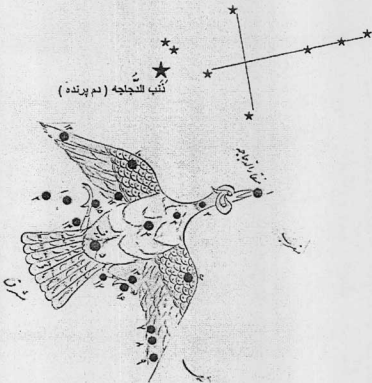
- ۱ - صورت فلکی شلیاق. با سحابی حلقه و ستاره نسر واقع
- ۲ - دجاجة و راه کهکشان که در صورت فلکی دجاجة به دو شاخه موازی تقسیم می‌شود.
- ۳ - قوس و سحابی نعل اسب ام ۱۷
- ۴ - عقاب و ستاره نسر طایر

**شلیاق (چنگ رومی)
و سحابی حلقه و نسر واقع**

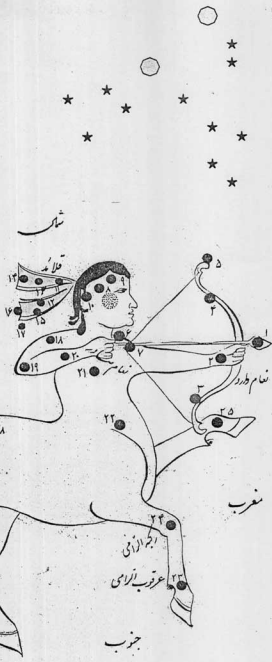


دُجَاجِه (قو ، ماکیان ، صلیب شمالی)

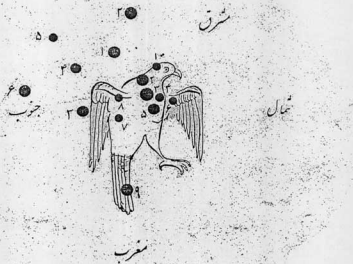
نَظْبُ النَّجْجِجِه (دم پرده)



قوس (کمان ، راسی)
و سحابی ثعلب اسب ۱۷ ام



عقَاب

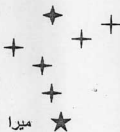


رصد های آذر ماه :

امراه الممسله (زن به زنجیر بسته شده) و کهکشان بزرگ ام ۳۱



قَيْطُس (نهنگ)



شمال



تا مکان ۲۰۰۸
بازرگان مشرق

رصد های دی ماه :

برساوش (با ستاره رأس الغول) = پرسپوس ، فرساوس ، به معنی برنده سر دیو . نام اساطیری خداوند حامی پارسیان و نام پرسپوس در یونان ، جوانی که شاهزاده خاتم در زنجیر را از چنگال غول نجات داد .



ثور (گاو نر)

خوشه پروین

نیر الثريا

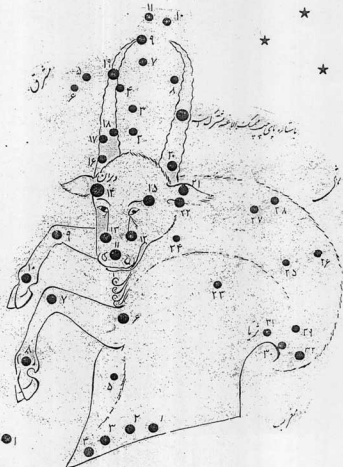
دبران

نزن

بستان بومی بر سر کوه اشترک است

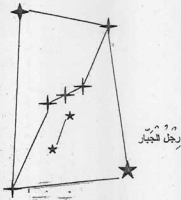
جوز

سمنزر



رصد های بهمن ماه :

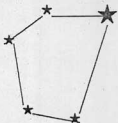
جبار (شکارچی)



مُمَسِكُ الْعَيْنَانِ (لرپه ران)

عَيُوقُ (بز چران)

ستاره عیوق



شال

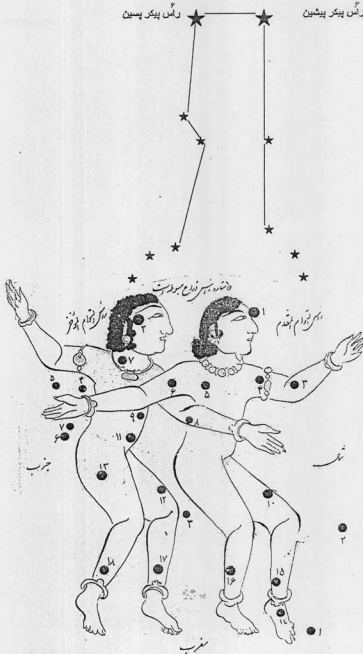


بنا شده شال صورت نوزاد است

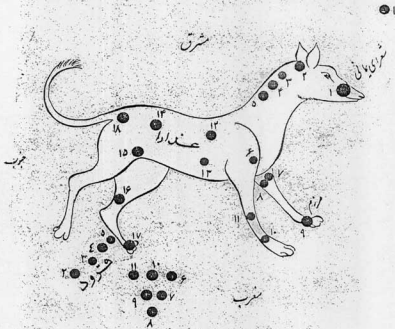
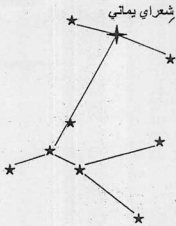
رصد های اسفند ماه : جوزا (دو پیکر)

جوزا (دو پیکر)

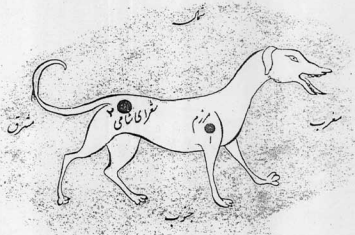
رأس پیکر پیشین رأس پیکر پسین



صورت فلکی کلبِ اکبر (سگ بزرگ)



صورت فلکی کلب اصغر (سگ کوچک)



فصل ششمتقویم قمری

پیامبر اکرم (ص) پس از هجرت از مکه در روز جمعه ۱۲ ربیع الاول مقارن با ۲۴ سپتامبر سال ۶۲۲ میلادی وارد مدینه شد.

اول محرم آن سال مقارن با جمعه ۱۶ ژوئیه ۶۲۲ میلادی و اول فروردین سال خورشیدی مقارن با جمعه ۱۹ مارس همان سال بوده است. ترتیب ماههای عربی به قرار زیر است:

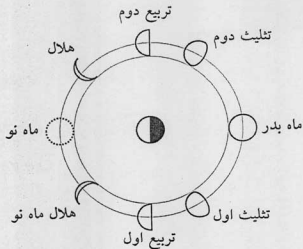
۱- محرم	۷- رجب
۲- صفر	۸- شعبان
۳- ربیع الاول	۹- رمضان
۴- ربیع الثانی	۱۰- شوال
۵- جمادی الاول	۱۱- ذیقعدہ
۶- جمادی الثانی	۱۲- ذیحجه

أهله قمر : هنگامی که نور خورشید به ماه برسد و ماه در موقعیتهای مختلف قرار داشته باشد، قسمتهای بخصوصی

از ماه روشن گشته و هر وضعیت حالت و نام مخصوص خود را داراست. ماه نو یا هلال ماه، تربیع، بدر یا ماه کامل،

تربیع دوم، و در آخرین حالت ماه هلالی که به نسبت هلال اول ماه وارونه گشته است.

(شکل صفحه بعد)



با توجه به اینکه ماه هم به دور زمین می‌چرخد و نیز همراه زمین در منطقه البروج سیر می‌کند، جا و موقعیت آن مرتباً در شبانه روز در برجهای فلکی در حال تغییر است و با توجه به این حقیقت که امواج و تشعشعات ماه ثنیرات بی‌شماری بر روی موجودات زمینی و حتی روی لایه‌های درونی زمین دارد، این تغییرات موجب حوادث و اتفاقات بسیاری می‌گردد. برای مثال هنگامی که ماه در حضیض (کمترین فاصله از زمین) و در بدر کامل باشد جریان جزر و مد آنها که دو سوم سطح زمین را در اختیار دارند بسیار شدت می‌یابد. ژئوفیزیکدانها با اندازه‌گیری‌های دقیق به این نکته پی برده‌اند که این جزر و مدها فقط بر لایه‌های سطحی زمین تاثیر نمی‌گذارد بلکه ممکن است در بعضی مکانهای زمین لایه‌های خاک نیز تا ۲۰ الی ۳۰ سانتیمتر دچار جزر و مد شوند و دلیلی برای زلزله و جابجایی و طوفان و سیل و آتش سوزی و بروز بیماریهای فصلی و یا خطرناک و ... است.

منازل قمر:

نزد اعراب هر منزل قمر يك قسمت از ۲۸ قسمت تقريباً متساوی از دایرة البروج می باشد. ابتدا از برج حمل یا فروردین است و علایم آن ستاره‌هایی است که در حوالی دایرة البروج وجود و حضور دارند است. انواع (بارانهای موسمی) و بوارح (بادهای سخت در روزهای گرم) منسوب به طلوع و غروب این منازل بودند.

منازل قمر عبارتند از :

در برج حمل	۱ - سرطان (شرطین) و ۲ - بطین
در برج ثور	۳ - ثریا و ۴ - دبران
در برج جوزا	۵ - هقعه و ۶ - هنعه و ۷ - ذراع
در برج سرطان	۸ - نثره
در برجهای سرطان و اسد مشترکاً	۹ - طرف
در برج اسد	۱۰ - جیهه و ۱۱ - زیره و ۱۲ - صرفه
در برج سنبله	۱۳ - عوا و ۱۴ - سماک اعزل و ۱۵ - غفر
در برج میزان	۱۶ - زبانی
در برج عقرب	۱۷ - اکلیل و ۱۸ - قلب و ۱۹ - شوله
در برج قوس	۲۰ - ناعیم و ۲۱ - بلده
در برج جدی	۲۲ - سعد ذابح و ۲۳ - سعد بلع و ۲۴ - سعد السعود
در برجهای جدی و دلو مشترکاً	۲۵ - سعد الاخبیه
در برج دلو	۲۶ - فرغ اول و ۲۷ - فرغ ثانی
در برج حوت	۲۸ - بطن الحوت یا رشاء

ماه در هر منزل که باشد تحت نظر برج خاصی قرار می‌گیرد که با توجه به اینکه آن برج تابع چه کوکب مریی است، سعد یا نحس بودن آن برج بر ماه نیز منتقل می‌شود. برای مثال هنگامی که ماه در صورت فلکی اکلیل یا قلب و یا شوله قرار گیرد یعنی در برج عقرب است و کوکب حاکم بر عقرب، مریخ است و مریخ نحس می‌باشد. در نتیجه واژه قمر در عقرب را به کار می‌برند. اما در منزل زبانی سعد است زیرا زبانی در برج میزان (مهر)

است و کوکب آن زهره و آن سعد است. با این تعبیر هنگامی که ماه در منازل سعد باشد برای امور خیر مناسب است و اگر در منازل نحس قرار بگیرد کارها در جهت عداوت و امور شر و حوادث ناگوار پیش می‌رود.

حروف الفبا و منظومه شمسی :

در جزوه اول، از نظر علم حروف، ارتباط افلاک و ستارگان و سیارات بر هر حرفی از حروف الفبا مطرح گردید.

جدول حروف را به صورت ایققی می‌نویسیم

ط	ح	ز	و	ه	د	ج	ب	ا
ص	ف	ع	س	ن	م	ل	ك	ی
ظ	ض	ذ	خ	ث	ت	ش	ر	ق
			غ					

ستون اول ایقغ : را به فلك الافلاك نسبت می‌دهیم

ستون دوم بكر : را به فلك العرش یا کرسی

ستون سوم جلش : را به فلك زحل

ستون چهارم دمت : را به فلك مشتری

ستون پنجم هنت : را به فلك مریخ

ستون ششم وسخ : را به فلك شمس

ستون هفتم زعد : را به فلك زهره

ستون هشتم حفص : را به فلك عطارد

ستون نهم طصظ : را به فلك قمر

فلك العرش یا فلك الكرسی به جایگاه ساکنان طبقات بالاتر از منظومه شمسی اطلاق می‌گردد.

صور فلکی که در فصل تصاویر آسمانی (که توسط عبدالرحمن صوفی تحقیق و جمع آوری شده و ترجمه
 خواجه نصیرالدین طوسی است از قرن چهارم هجری) ثبت گردیده به نوعی هر يك سمبل و نماد شخصیت های
 موجوداتی هستند که دارای استعدادها و قدرتهای آسمانی و فرا زمینی گردیده و در ارتباط با روح فلکی امکان
 دریافت کمک و یاری و راهنمایی و دوستی با آنها وجود دارد.

فلك الافلاك، جایگاه نیروهای عالیتر هستی از جمله فرشتگان و ارواح اولیا الهی و انبیا ست و علوم فعلی به
 هیچ طریق مادی نمی‌تواند این عالم خاص را ادراك نماید.

فصل هفتم

گاهشمار ترکی: تقویمی که بر مبنای سالهای ترکی (مغولی، ختایی و یا اویغوری) در زمان سلطه

مغولان بر ایران متداول بوده و در زمان صفویان به رسمیت شناخته شد بر مبنای نام ۱۲ حیوان است که ترتیب خاص دارند و عبارتند از:

- ۱ - یونت بیل = اسب
- ۲ - قوی بیل = گوسفند
- ۳ - پیچی بیل = میمون
- ۴ - تخاقوی بیل = مرغ
- ۵ - ایت بیل = سگ
- ۶ - تنگوز بیل = خوک
- ۷ - سیچقان بیل = موش
- ۸ - اود بیل = گاو
- ۹ - بارس بیل = پلنگ
- ۱۰ - توشقان بیل = خرگوش
- ۱۱ - لوی بیل = نهنگ
- ۱۲ - بیلان بیل = مار

برای بدست آوردن نام هر سال شمسی چنین محاسبه می‌شود:

عدد هر سال را بر ۱۲ تقسیم کرده و باقی‌مانده هر چه باشد از ردیف بالا بشمارید، به نام هر حیوان که رسیدید

آن سال را بر مبنای خلق و خوی و رفتار آن حیوان محک زده و می‌سنجید.

مثال: سال ۱۳۴۰ هجری شمسی $111 = 12 \div 1340$ و ۸ باقیمانده دارد.

به ردیف ۸ در ستون بالا نگاه کنید. سال گاو را نشان می‌دهد.

نکته مهم : سال ترکی در محدوده ۹ تا ۱۱ بهمن ماه هر سال تحویل می‌شود. یعنی اگر شخصی در اسفند ۱۳۳۹ متولد شده باشد، سال تولد او گاو خواهد بود. و اگر در ۲۰ بهمن ۱۳۴۰ متولد شده باشد چون از دهه اول بهمن به بعد سال پلنگ وارد شده باید محاسبه تولد خود را از بعد از تحویل سال بررسی نماید و خصوصیات پلنگ بر سرنوشت او حاکم است.

نکته : برای کسانی که سلوک عملی و فعال خود را بر مبنای زمان و تأثیرات کواکب اختیار کرده‌اند، یک دوره ۶۰ ساله مطرح می‌شود که به ۵ دوره ۱۲ ساله تقسیم می‌شود.

گاهشمار ترکی دارای ۵ دوره خاص است که به ۵ عنصر بخصوص مرتبط می‌باشد : آتش، خاک، آهن، آب، چوب برای مثال در مورد سال اسب، در هر دوره ۱۲ ساله یک سال موسوم به اسب است ولی در ۱۲ سال اول اسب آتش است، در ۱۲ سال دوم اسب خاکی است، در ۱۲ سال سوم اسب آهنی است، در ۱۲ سال چهارم اسب آبی است و در ۱۲ سال پنجم اسب چوبی است.

همچنین تمام سال‌های دیگر نیز همین ترتیب را باید رعایت نمایند. با این تفاسیر سالک باید ۵ دوره ۱۲ ساله و در هر سال ایام و روزها را بر مبنای تقویم شمسی با رعایت آداب و احترام به مفاهیم و همراه با اسطوره-شناسی و همچنین شبها را با نیز با تقویم قمری با طی منزل به منزل ماه و بررسی تأثیرات کلیه نیروها و عوامل دست اندر کار عالم هستی را بشناسد.

با توجه به اینکه بعضی سیارات به طور مثال تقریباً هر ۳۰ سال یک دور منظومه شمسی را طی می‌کنند و با بعضی ستارگان دنباله دار فقط هر چند هزار سال یکبار به زمین نزدیک می‌شوند، وجود و یا ظهور این آیات معانی خاصی دارد که توسط منجمین و ستاره شناسان مورد تحقیق و بررسی قرار می‌گیرد.

ارتباط الواح یا کواکب

در جزوه شماره ۲ (علم الواح) لوح 3×3 الی 10×10 مطرح گردید. شایسته است بدانید که :
مثلاً، لوح 3×3 مربوط به زحل است و زحل نحس اکبر و برای امور شر و عداوت و دشمنی و آوارگی و قتل به کار می‌رود.

مربع، لوح 4×4 مربوط به مشتری است و برای امور خیر و معنوی کارآیی دارد.
مخمس، لوح 5×5 مربوط به مریخ است و مریخ نحس است و برای جنگ و نفاق و ... به کار می‌رود.
مسدس، لوح 6×6 مربوط به شمس است و بسیار سعد است.

مربع، لوح 7×7 مربوط به زهره است و برای امور مادی و دنیوی بسیار سعد است.

مثنی، لوح 8×8 مربوط به عطارد است و بستگی به موقعیت زمانی دارد.

متسع، لوح 9×9 مربوط به فلك قمر است و قمر نیز تابع منازل مختلف خود می‌باشد.

شیوه نگارش: لوح سعد را در جهت حرکت عقربه‌های ساعت نوشته و از اطراف به سمت مرکز لوح پیشروی نمایید.

در مورد مسایل منفی در خلاف جهت عقربه‌های ساعت و از مرکز لوح به سمت خارج می‌نویسند. و این خود

دلیلی برای ارتعاش و تشعشعات لوح است زیرا اگر امور خیر را بخواهیم بی شك آن را از محیط اطراف به

سمت خود فرا می‌خوانیم. و اگر خدای ناخواسته (فقط جهت آگاهی مطرح می‌گردد) امور منفی مد نظر

باشد از سمت خود شخص نگارنده به محیط یا افرادی که در راه دور هستند امواج منفی ارسال شود.

فصل هشتم

مغناطیس زمین :

زمین بر خلاف ظاهر آرام و سرد خود دارای نبض، نفس، حرکت و همچنین ساختمان خاصی است. از شواهد و قرائن چنین دریافت می‌شود که زمانی زمین به صورت گاز با دمای بسیار بالایی بوده که به تدریج سرد شده و به مرور زمان لایه‌های مختلفی در آن شکل گرفته‌اند. ساختمان زمین از لحاظ طبقات تشکیل دهنده عبارتند از:

۱ - پوسته

۲ - جبه

۳ - هسته، که هسته زمین از دو قسمت مجزا تشکیل شده است:

هسته بیرونی که از مواد مذاب انواع فلزات بخصوص آهن و نیکل مذاب تشکیل گردیده.

هسته داخلی که کروی است از آهن جامد به قطر ۲۵۰۰ کیلومتر که نسبت به لایه‌های محیطی در هسته

بیرونی کمی سریعتر می‌چرخد و محور یا راستای چرخش آن در امتداد شمال - جنوب کره زمین است.

به دلیل وجود عنصر آهن در ساختمان کره زمین، و چرخش لایه‌ها و حرکت وضعی آن و همچنین حرکت به

دور خورشید، زمین حالت یک آهن ریای بزرگ مغناطیسی را دارد که در فضا شناور است و دارای دو قطب

شمال و جنوب مغناطیسی است.

نیروی گرانش یا جاذبه زمین بر همه موجوداتی که در آن زندگی می‌کنند و هم در فضای اطراف آن تاثیر می‌گذارد.

هنوز انسان نمی‌داند منبع اصلی نیروی جاذبه زمین چیست. بعضی از فیزیکدانان به فرضیه ذراتی به نام

گراویتون روی آورده‌اند که از هسته زمین ساطع می‌شود و بر موجودات اثر جاذبه و نگهدارنده می‌گذارد و

سرعت تاثیر آن بر اجسام برابر سرعت نور است که در حد فرضیه است و ثابت نشده است و در صدند با

ابراز نظریه وحدت نیروها قانونی کلی باینند که نیروی جاذبه و مغناطیس و الکتریسیته و الکترو مغناطیس را

به طور کلی تفسیر و محاسبه نمایند.

دانشمندان بر اثر تجربه و آزمایشهای بسیار به این نتیجه رسیده‌اند که تمام ذرات عالم بر هم تاثیر می‌گذارند و

به اصطلاح به یکدیگر نیرو وارد می‌سازند. و این نیرو قابل اندازه گیری است .

جرم جسم اول \times جرم جسم دوم

----- \times ضریب ثابت گرانش = نیروی گرانش

فاصله دو جسم به توان ۲

به فرمول بالا با دقت نگاه کنید. اگر جسم اول یک فرد باشد و جسم دوم فرد دیگر و یا سیاره‌ای در آسمان و یا هر موجود دیگر پس بین تمام ذرات عالم نسبت به جسم اول، نیروی جاذبه هر چند خفیف می‌تواند وجود دارد و با کم شدن فاصله نیرو افزایش می‌یابد.

بار الکتریکی اول \times بار الکتریکی دوم

----- \times ضریب ثابت الکتریکی = نیروی الکتریکی

فاصله دو بار الکتریکی به توان ۲

دو فرمول بالا بسیار شبیه هم هستند و رابطه دوم اندازه تأثیر نیروی مغناطیسی دو ذره بار دار را نسبت به یکدیگر نشان می‌دهد.

بار الکتریکی دو نوع است مثبت و منفی. دو بار همنام همدیگر را دفع می‌نمایند و میل دارند که از هم دور شوند. و برعکس، دو بار غیر همنام یکدیگر را جذب می‌نمایند. پس همه ذرات بار دار در عالم بر هم تأثیر می‌گذارند.

در مورد زمین، میدان الکتریکی حاصل از ذرات باردار زمین و میدان مغناطیسی اطراف آن یک میدان الکترومغناطیسی ایجاد می‌نماید که پرتوهایی را انتشار می‌دهند و این پرتوها یا امواج با سرعت نور حرکت می‌کنند و طیف گسترده‌ای از امواج را شامل می‌گردند، از امواج بسیار قوی اشعه کیهانی و گاما و ایکس و ماورای بنفش تا امواج مرئی (که دارای رنگهای بنفش، آبی، نیلی، سبز، زرد، نارنجی و قرمز) و امواج کوتاه غیرمرئی رادیویی و تلفن و رادار.

زمین مانند يك آهن ربای عظیم مغناطیسی در فضا شناور است و امواج و تشعشعات خاص خود را در فضا پخش میکند. همچنین است هر سیاره و کواکبی که در فصل‌های پیشین در باره آنها مطالبی ذکر شد. این خواص در دل ذره ذره هر جسم پنهان است.

آفتابیش در میان بینی

دل هر ذره را که بشکافی

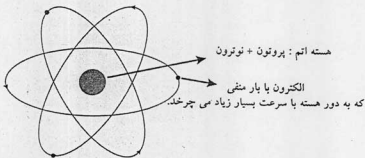
می‌دانید که کوچکترین ذره از هر جسم را اتم می‌نامند و خود اتم تشکیل شده از ذرات بنیادی ریزتری که عبارتند از :

۱ - الکترون با بار منفی

۲ - پروتون با بار مثبت

۳ - نوترون با بار خنثی

نوترون و پروتون در مرکز یا هسته اتم قرار دارند ولی الکترونها به دور هسته می‌چرخند و بسیار شبیه منظومه شمسی هستند. بار هسته مثبت و بار الکترون منفی است و این باعث جذب و پایداری اتم می‌شود. شکل زیر مدل هسته اتم را نشان می‌دهد :



در هر اتم معمولاً تعداد بارهای مثبت و منفی با هم برابر است و هر چه تعداد الکترونها بیشتر شود اندازه اتم بزرگتر شده و الکترونها بر روی مدارهای خاص خود به چرخش ادامه می‌دهند. با چرخش و جابجا شدن الکترونها در اطراف هسته، یکسری امواج یا تشعشعات مغناطیسی از هر واحد اتم گسیل می‌شود و در مجموع هر توده از اتمها می‌تواند مجموعه‌ای از امواج یکسان را دارا باشند.

با تجمع بیش از حد ماده در يك مكان و با چرخش آن جسم حول محور خودش و وجود يك یا چندین قمر در اطراف آن و چرخش كل مجموعه حول يك مركز عظیم تر و باز چرخش و حرکت این منظومه حول کهکشانهای دور و ناشناخته میدان های امواج گستردهای در فضا ایجاد می شود که هم از نیروی جاذبه آن جرم نشأت گرفته و هم نیروی الکتریکی ذرات تشکیل دهنده و هم از نیروی الکترومغناطیس ناشی از حرکت و گردش سماوی و این امواج در خلاء و فضای خالی امتداد یافته و منتشر می شوند و منبع این تأثیرات سیاره یا ستارگاتی هستند که شاید میلیونها سال پیش نابود شده اند اما هنوز نور و تأثیر خود را بر جهان اعمال می کنند. از آنجا که هر ذره از جنس نور حاوی مطالب و آگاهیهای خاص است شاید روزی فرا رسد که بتوان انواری را که از نقاط دور دست آسمان به ما می تابد، کاملا ترجمه نمود و اطلاعات عالی تری نسبت به جهان بدست آورد.

فصل نهم

کاربرد علم نجوم و احکام نجومی

تأثیرات اجرام آسمانی بر روی انسان و سرنوشت افراد

تغییر محل دائمی مرکز جاذبه منظومه شمسی، موجب تأثیرات شگرف بر شراره‌های خورشیدی، بی نظمی حوزه‌های مغناطیسی خورشید و سیارات و ابسته به خورشید می‌گردد که خود موجب دگرگونی در لایه‌های اطراف زمین می‌شود.

دو قلوهای هم‌زمانی: دو فرد که تولد آنها در مقارنه پنج کوکب مریخ و زهره و عطارد و مشتری و زحل همراه با کسوف و یا خسوف تیرین (تیرین همان خورشید و ماه هستند) در همان برج قران باشد، شباهت سرنوشتها صد در صد خواهد بود.

عطارد نسبت به مشتری بسیار کوچک است ولی چون نزدیکترین سیاره به خورشید است نیروی گرانشی بیشتری به دیگر ساکنان منظومه وارد می‌سازد. و چون نزدیکتر به خورشید است و دوره گردش سالانه آن ۸۸ روزه است در پخش و نشر و نشث پلاسمای خورشیدی بر فضا موثر است (در اثر حرارت فوق العاده بالای خورشید، پلاسمای به حالتی از ماده گفته می‌شود که به غیر از جامد و مایع و گاز است و می‌تواند به هر يك از این اشکال ظهور یابد) و ستاره شناسان قدیم به آن لنز یا عدسی می‌گفتند.

تغییر فاصله کواکب بر همه چیز در زمین موثر است. مراکز هواشناسی مهم جهان، وقوع طوفانها و گردبادهای مهیب را با محاسبه خسوف و کسوف و حالات مقارنه و مقابله پیش بینی می‌کنند.

مراکز زلزله نگار، تأثیرات نیروهای سیارات بر روی زمین را از تغییرات ناگهانی حوزه مغناطیسی زمین که بر اثر حرکات سیارات ایجاد می‌شود بررسی می‌نمایند. تمام حوزه‌های وجودی موجودات زنده و حتی غیر زنده زمین از نظر روانی و عاطفی و بیولوژیکی مستقیماً با حوزه مغناطیسی زمین و دیگر انرژی‌های تأثیرگذار بر زمین در ارتباط است.

رفتار انسان که ناشی از جریان مستقیم سیستم کنترل مغز است تابع میدان مغناطیسی زمین و خورشید و سیارات کیهانی است.

تأثیرات اجله ماه بر خونریزی و جراحات در هنگام مقابله ماه و خورشید ماکزیمم (حداکثر) بوده و زمانی که ماه در حالت هلال یا محاق باشد مینیمم (حداقل) است.

ستاره شناسان با استفاده از سیستم پیشگویی فضا - زمان خاصی از طریق رصدهای دقیق به تپش ۳۶ ساله خورشید که مانند ضربان قلب منظومه شمسی و تأثیر عجیب آن بر روند اقتصادی جهان به صورت یک امر اجباری و غیر قابل انکار پی برده‌اند.

تأثیرات زیست محیطی سیکل های سیاره‌ای :

ریتم اول : ریتم‌های محیط اطراف که با نور، درجه حرارت و برنامه غذایی مرتبط است و این موارد قابل تغییر و تنظیمند.

ریتم دوم : در رابطه با سیکل‌های کیهانی و تداخل و تشریح آنها که بسیار پیچیده است .

مهمترین ریتم، خواب و بیداری در شبانه روز است. برای مثال، نقطه اوج تولد و تناسل و تغییرات بدنی ماهانه در خانمها.

فعالیت بعضی موجودات آبی در هنگام مد و فعالیت شدید موجودات نزدیک به آب در هنگام جزر اثبات می‌کند که بعضی از نیروهای نافذ که ذاتاً مربوط به سیستم خورشیدی هستند بر ارگانیسم زنده تأثیر می‌گذارند . بطلمیوس به نیروی اثری در طبیعت معتقد بود. این نیرو چون دریایی، سراسر جو را فرا گرفته و بر آن، فلك اثری یا کره نار نام نهاد و ناقل نیروهای آسمانی به سرتاسر عالم بود.

وراثت سیاره‌ای، تشابهات ژنتیکی در هنگام تولد، صحت پیشگویی‌ها در رابطه با پیش بینی وضع هوا، حوادث غیر منتظره، عشق، تجارت، مسافرت، ... در حوزه های مختلف روانشناسی، جرم شناسی، پزشکی و تشخیص امراض، اقتصاد، راهنمایی مشاغل، تعبیر رويا، ادراکات فراحسی و ... با تشریح علایم سمبلیک چنین تفکری را ایجاد می نماید که در آسمان مجلسی وجود دارد که قانونگذار است و ستارگان و کواکب قانونگذاران و اعضای آن مجلس هستند. دکتر کارل گوستاو یونگ از محققین بنام علم روانشناسی با بررسی تجربی، دریافت که ازدواج دو نفر بر اساس تصادف نیست بلکه با توجه به زایچه آنها به طور کلی مقارنه ماه و خورشید در رأس جدول قرار می‌گیرد. مقارن بودن آفتاب یکی به ماه دیگری و یا بالعکس و یا مقارنه ماه هر دو زوج.

مکتبی که به تناسخ اعتقاد دارند (معتقدند که انسان بارها به دنیا می‌آید تا با دیدن نتیجه اعمالی که در زندگیهای قبلی خود انجام داده است، با پس دادن کارها و تسویه حساب بدهی‌های گذشته سرنوشت خود، چرخه تولد و مرگ رهایی یابد) زاپچه هر فرد را سند و بیانگر دارایی‌ها و دیون معنوی در زندگی قبلی‌اش دانسته و چنین می‌پندارند که جایگاه شخص از نظر استعداد و آگاهی و موقعیت زمانی و مکتبی، نتیجه اعمال و افکاری است که در زندگی گذشته داشته است.

مهمترین کاربرد این بحث خاص تأثیرات سیارات منظومه شمسی در هنگام تولد افراد ساکن زمین است که از دیرباز توسط تمدنهای پیشرفته باستانی مورد استفاده قرار می‌گرفته و در کتیبه‌ها و الواح بدست آمده از آن دورانها ثبت و ضبط گردیده است.

اعتقاد بر این است که هر شخص در هر زمان که متولد می‌شود تحت تاثیر و نفوذ کامل سیاراتی که در لحظه تولد او در آسمان حضور دارند، قرار داشته و بسیاری مطالب راجع به گذشته و آینده افراد را میتوان از جایگاه و موقعیت سیارات و کواکب دانست. همچنین پیشگویی بعضی حوادث طبیعی، مانند سیل و زلزله و وقوع جنگها و ... از این طریق امکان پذیر می‌باشد.

در حال حاضر یکی از کاربردهای عملی این علم، شناخت کیهان و انرژی کیهانی و نحوه دریافت و جذب این نوع خاص انرژی و ارتباط با شعور کیهانی است. این انرژی با رنگ طلایی و یا نقره‌ای بسیار درخشان مشاهده می‌شود که از ماورای عالم هستی در جریان است و در همه جا وجود دارد و سرشار از امواج الهام بخش و آگاهی دهنده است و عده خاصی از انسانهای وارسته از جهان مادی، چون از این نوع انرژی تغذیه می‌کنند از بیماری و فنا در امان بوده و عمر بسیار طولانی دارند.

فصل دهم

ارتباط نجوم با کف شناسی، کیمیا گری و الواح

(این مطالب فقط و فقط جهت آشنایی با اینگونه علوم مطرح می‌گردند و تایید یا تکذیب آن مد نظر

نویسنده نیست.)

کف شناسی :

یکی دیگر از علمی که با احکام نجوم سنتی وابستگی کامل دارد کف شناسی است. در این علم، کف هر یک از دستهای انسان را به مناطق مختلف تقسیم نموده و هر قسمت را به یکی از سیارات منظومه شمسی مرتبط می‌دانند. هر انگشت و مناطق خاص کف دست را به کواکب و خطوط کف دست را به مسائل کلی مربوط به زندگی انسان تعبیر نموده‌اند.

۱ - انگشت شست : و ناحیه پایین آن به سیاره زهره منسوب گردیده و خطی که در کف دست، این انگشت را دور می‌زند خط زندگی یا خط طبیعی نام نهاده‌اند.

انگشت دوم یا اشاره : مربوط به سیاره مشتری یا زئوس یا ژوپیتر است.

انگشت سوم و بلندترین انگشت : مربوط به سیاره زحل یا کیوان یا ساتورن است.

انگشت چهارم یا انگشت حلقه (حلقه ازدواج) : مربوط به خورشید یا شمس است.

انگشت پنجم و کوچک : با سیاره عطارد ارتباط دارد.

ناحیه وسیع بین شست و انگشت اشاره تپه مریخ است.

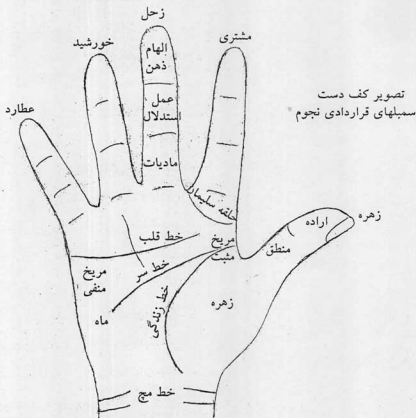
و مریخ دو گونه بررسی می‌شود: مریخ مثبت و مریخ منفی. (در شکل کف دست نشان داده شده است).

سرتاسر نواحی زیر انگشت کوچک که لبه برجسته دست می‌باشد تپه ماه نام دارد که به سه تپه فرعی تقسیم می‌شود.

زهره، مشتری، زحل، خورشید، عطارد، مریخ مثبت و مریخ منفی و ماه هر يك در كف دست انسان، به مثابه جهان اصغر می‌باشد که هم تأثیرات این کواکب را در زندگی انسانها بررسی می‌کند و هم اینکه انسان می‌تواند بر تمام امور آنها مسلط و این عالم را در پنجه های اقتدار خود دارا باشد.

سه خط اصلی در كف دست دیده می‌شود :

- ۱ - خط زندگی در پای انگشت زهره (شست) به صورت منحنی کشیده شده است.
 - ۲ - خط سر از بالای خط زندگی، ناحیه مریخ مثبت شروع و تا مریخ منفی یا تپه ماه ادامه دارد.
 - ۳ - خط قلب از پای انگشت کوچک و بالای تپه ماه شروع و تا پای انگشت مشتری می‌تواند امتداد داشته باشد. خطوط دیگری چون خط ازدواج، خط سلامتی، حلقه زحل، حلقه سلیمان و .. وجود دارد که با این قراردادها و ارتباط آنها با سیارات مذکور می‌توان حقایق بسیاری را در مورد زندگی گذشته، حال و آینده افراد مطرح نمود. رنگ، ضخامت خطوط، اندازه و امتداد آنها، جهت قرار گرفتن و ادامه آنها به سمت هر يك از مناطق سیارات همراه با علائم خاص، هر يك تفسیری دارند.
- در انسانهای راست دست، دست راست مورد بررسی قرار می‌گیرد و در انسانهای چپ دست دست چپ را می‌خوانند. دست مورد بررسی، نشانگر عملکرد و کردار اشخاص است و دست دیگر نمایانگر ایده آل و آرمان و افکاری که در درون وجود دارد.
- دست راست با نیمکره چپ مغز و دست چپ با نیمکره راست مغز در ارتباط است.
- مهمترین انگیزه زندگی، عشق و محبت و نیروی حیات، میل به بقا و نیروی جنسی را از روی خط زندگی و تپه زهره بررسی می‌کنند. یکی از مهمترین خطوط انرژی بدن از روی خط زهره عبور می‌کند.
- شست نشانگر اراده و همت و اقتدار افراد است و نحوه شکل ظاهری، طول و طرز قرار گرفتن آن نشانگر رشد شخصیت و ارتباط با محیط اجتماعی را نشان می‌دهد.



تصویر کف دست
سمبلیهای قراردادی نجوم

انگشت مشتری، حاوی تمام نکاتی است که در بخش کواکب توضیح داده شد و تدبیر و تدبیر و قدرت رهبری و اداره امور و مذهب و برکت و فراوانی و جثه و هیكل شخص را نشان می‌دهد.

انگشت زحل، مسایل درونی، انزواطلبی، سحریات، شانس و اقبال و تصادف و احتمال را بررسی می‌کند.

انگشت خورشید، درخشش در زندگی، موفقیت، اجتماعی بودن و جنبه های مثبت زندگی اجتماعی فرد را نشان می‌دهد.

انگشت عطارد، علم و تجارت و خلق و خوی حسابگرانه و رسیدن به درجات مختلف علمی و اقتصادی را نمایان می‌سازد.

تپه‌های مریخ از مریخ مثبت که روحیه جنگاوری و مبارزه طلبی و عدالت‌خواهی و ارتش مآبی و انرژی بالای جنسی تا مریخ منفی که قتل و غارتگری و پرخاشگری و فرار از قاتونمندی و وحشیگری و تجاوز و آشوب طلبی را در طیف بررسی دارد.

تپه‌های سه‌گانه ماه از رویا و عقاید درونی و ایده‌آل‌گرایی و مسافرت و تغییر مکان و روحیه شاعری و نویسندگی گرفته تا مالیخولیا و خرافاتی بودن و اوهام پرستی و ... را نشان می‌دهد.

به طور کلی هیچ يك از موارد زیر به تنهایی نمی‌تواند ملاک شخصیت يك فرد باشد بلکه به طور مجموعه‌ای از اطلاعات خاص که در کنار هم تکمیل می‌شوند و باصطلاح پازلی را تشکیل می‌دهند که هر قطعه باید بر سر جای خود درست تفسیر گردد.

کیمیایگری :

حتماً افسانه قاره گمشده اسرارآمیز آتلانتیک یا قاره هفتم که در زیر آبهای اقیانوس منقون گردیده و اخبار عجیب و غریب مثلث برمودا را نیز شنیده یا خوانده‌اید. در مورد انسانهای این قاره چنین گفته‌اند که:

آنان انسانهای زرینی بوده‌اند که به اسرار طبیعت پی برده و علوم را تا عالیترین درجات در اختیار داشته و با کمک سفینه فضایی از زمین و منظومه شمسی مهاجرت نموده‌اند و مقصد آنها هنوز برای انسان این عصر مشخص نشده است.

افلاطون و فیلسف‌های افلاطونی و نوافلاطونی بر این عقیده هستند که انسانها سه دسته‌اند :

۱ - انسانهای مسین، ۲ - انسانهای سیمین یا نقره‌ای ۳ - انسانهای زرین یا طلائی.

که انسانهای مسین و نقره‌ای باید به پالایش روح خود پرداخته و از طریق اندیشه متعالی و کردار صحیح به درجات عالی انسانیت برسند و به درخشش و تلالو انوار الهی آراسته شوند و به اصطلاح انسانهای زرینی شوند که به راحتی بتوانند تعلقات زمینی و مادی را رها کرده و در کالبد فرکانسهای لطیف و الهی قرار گرفته و از تبعیدگاه زمین به کرات عالی‌تر بروند.

پالایش روح و تبدیل طبیعت نفسانی به انسان زرین افلاطونی در طی تاریخ به این منجر شد که انسان مادی‌گرا و تجربی به فکر بیفتد که بتواند مواد را از حالت عادی به طلا تبدیل سازد که اساس علم شیمی یا کیمیا بر این خواسته شکل گرفت. برای این کار به دلیل اینکه در ساختمان مولکولی فلزات، فراوانی الکترونهاي آزاد در آنها، و ترکیب و پیوندها راحت‌تر و سریعتر انجام می‌گیرد و از آنجا که دایره اطلاعات آنها محدودتر از امروز

بوده، ۷ فلز را که نماینده ۷ کوکب هستند انتخاب و تمام تلاش خود را بر تبدیل اینها به طلا معطوف نمودند. تا جایی که از اصل قضیه فاصله گرفتند. این هفت فلز عبارتند از حدید = آهن مربوط به مریخ، نحاس = مس مربوط به زهره، زبیب = جیوه مربوط به عطارد، فضه = نقره مربوط به قمر، ذهب = طلا مربوط به شمس، قصدیر = قلع مربوط به زحل، و رصاص = سرب مربوط به مشتری.

علم شیمی با تمام زمینه‌های تحقیقاتی و آزمایشگاهی از این طریق پر و بال گرفت و گسترش یافت ولیکن دانشمندان علم شیمی هنوز هم نتوانسته‌اند از تبدیل عناصر به یکدیگر طلا بسازند. این امر باعث گردید که جدول عناصر تکمیل‌تر شود و عناصر جدید ردیابی و شناسایی شوند و هسته‌های عناصر سنگین با بمباران هسته‌ای و با آزاد سازی انرژیهای مهیب زنجیره‌ای به عناصر سبک تبدیل شوند. اساس بمب‌های اتمی بر مبنای این تبدیلات شکل گرفته است.

از طرف دیگر عده‌ای از باطن گراها، کیمیای ظاهری و مادی را رها کرده و به ایجاد مکتب و فلسفه دیگری روی آوردند. مکتبی بر مبنای بین و یاتگ. زن درون و مرد درون را مطرح ساختند. در درون هر واحد انسانی، ضد خودش وجود دارد. یعنی در درون هر مرد، نیروی مونثی وجود دارد که وجه تاریک و انفعالی نیروی مذکر قلمداد می‌شود. و همین طور در درون هر زن، نیروی مذکری پنهان است که میل به فعالیت را در مونث پدید می‌آورد و با اعتقاد بر این که خداوند همه چیز را در حد کمال آفریده است هر واحد انسان تر- ماده به اصطلاح (هرمافرویدیت) خلق شده و نیاز مجازی به همسر و هم‌تای ظاهری امری موقت و مجازی است. و اگر شخص عاشق می‌شود یا بدنبال همسر ایده‌آل خود می‌گردد اینها همه وجهی از همین خود شناسی و کمال طلبی است و مجاز پلی است به سوی حقیقت.

پس با آماده سازی درونی و پرهیز از تمایلات نفسانی، انرژی درونی خود را به سمت آن بعد ناپیدا و ضد خود سرازیر نموده و حالتی را سیر می‌نمایند که ازدواج جادویی نام نهاده‌اند. بر اثر این نوع ازدواج، نطفه یا فرزندی در درون شخص شکل می‌گیرد که علاوه بر نیروهای ذاتی او، موجودی از فرکانسهای عالی‌تر خلق می‌گردد که از فرق سر زاییده می‌شود و عده‌ای به این موجود کالبد اختری هم می‌گویند. و با خلق و زایش چنین قدرتی شخص از آگاهیهای بسیار بالاتر فرا زمینی برخوردار می‌شود.

برای کسب اطلاعات بیشتر به جزوه شماره نهم انرژی اذکار مراجعه شود.